



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

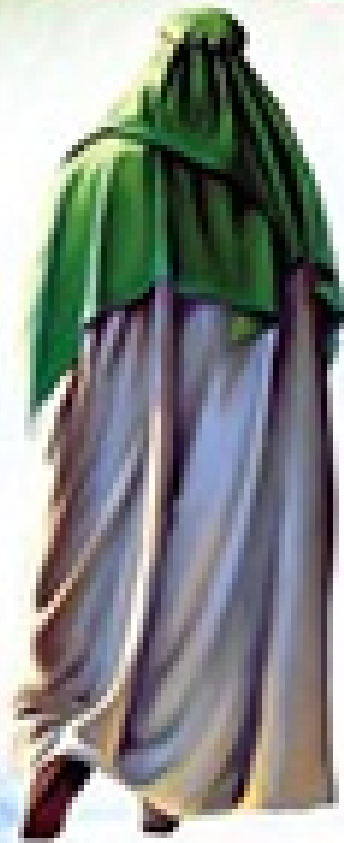
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جلد چهارم

دستور و وصیت نامہ شرعی و قانونی

با اضافات مهم و مسائل کلیدی میراث

نورثہ و زینتہ القلمیہ



تعداد صفحات: ۱۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی (پیش از سفر حج و ... وصیت لازم است)

نویسنده:

محمد طاهر مدرسی

ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	اشاره
۱۷	فهرست
۲۳	پیشگفتار
۲۳	وصیت در سیره ی پیشوایان دین (علیهم السلام)
۲۵	صیغه ی توبه
۲۶	ثواب داشتن کفن
۲۶	در کفن و جردتین چه چیز نوشته شود؟
۲۹	فصل اول: داستان های وصیت
۲۹	اشاره
۲۹	مسافر مصمم (حاج احمد احسانی)
۳۴	به سوی بیمارستان
۳۶	رازهای شگفت انگیز
۳۶	آه از سرنوشت من
۳۸	نتیجه ی آتش
۳۹	وصی بی تقوی (دزد رسمی!)
۴۰	جالب و خواندنی
۴۱	وصی مسئولیت شناس
۴۳	صلوات در اتاق بیمارستان
۴۴	دوستان ناباب
۴۴	نتیجه ی بی بندوباری

۴۵	الگوهای خودسازی
۴۷	نتیجه ی رازها
۴۷	بازگشت از بیمارستان
۴۸	آخرین تصمیم عملی حاجی احمد
۴۸	وصیت نامه همسر حاجی احمد احسانی
۴۹	حاجی احمد احسانی و عکس العمل ها
۴۹	سرزنش و پاسخ
۵۰	وصی خود باشید
۵۱	فصل دوم: پیش زمینه و اهمیت وصیت
۵۱	اشاره
۵۱	اجل
۵۲	اهل دنیا و آخرت
۵۴	خوبی هر دو جهان در بیان معصوم(علیه السلام)
۵۵	آرزوهای ناسالم
۵۶	آرزوهای سالم
۵۷	اهمیت وصیت
۵۸	تأخیر وصیت
۵۸	وصیت یا خانه سازی آخرت
۵۹	مرگ بدون وصیت
۵۹	وصیت یک سوم دارایی
۶۰	ضرر زدن به ورثه
۶۰	دزدان میراث، دزدهایی خانگی
۶۱	رابطه وصیت و خودکشی
۶۳	فصل سوم: تعریف و مسائل مهم وصیت
۶۳	تعریف وصیت
۶۳	شرایط شرعی وصیت کننده و وصی و...

۶۳	اقسام وصیت
۶۴	زمان وصیت
۶۴	محتوای وصیت کامل
۶۵	یکی از الگوهای وصیت از زبان وحی
۶۵	برخی از وظایف وصیت کننده
۶۶	ادامه وصیت نامه آقای احسانی و همسرش
۶۶	راه حق در وصیت خدا به انسان
۶۶	وجوب دوستی خدا
۶۷	وجوب دوستی پیامبر و آل (علیهم السلام)
۶۸	ادامه ی وصیت نامه ی حاجی احمد
۶۸	لزوم تقوی پیشگی
۶۹	ضرورت اهتمام به نماز
۷۰	ضرورت اهتمام به روزه
۷۰	لزوم توجه به وجوهات و ...
۷۱	داشتن تولی و تبری
۷۱	اهتمام به حقوق مردم
۷۲	لزوم رعایت حقوق والدین
۷۲	توجه به تربیت فرزندان
۷۳	ضرورت حفظ حجاب
۷۴	پرهیز از نظر کردن به نامحرم
۷۴	نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم
۷۵	ضرورت پرهیز از اختلاف
۷۵	پرهیز از بدگمانی
۷۶	پرهیز از غیبت
۷۶	پرهیز از تهمت
۷۶	دوری گزیدن از ریاکاری

۷۷	توصیه به صبر و شکیبایی
۷۷	به یاد گذشتگان
۷۹	فصل چهارم: آداب محتضر و آداب میت
۷۹	اشاره
۷۹	الف - برخی از آداب محتضر
۷۹	اشاره
۷۹	«نکته مهم»
۸۰	پیشنهاد به بیمارستان ها
۸۱	دعای مخصوص حالت احتضار
۸۱	ب- آداب بعد از مرگ
۸۳	فصل پنجم: چکیده برخی از وصایای مهم
۸۳	اشاره
۸۳	از وصیت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)
۸۴	بخشی از وصیت های پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله وسلّم)
۸۵	از وصیت های امیرمؤمنان امام علی(علیه السلام)
۸۶	وصیت نامه ی مهم و مشهور امام علی(علیه السلام)
۸۸	وصیت نامه ی مهم حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسلام)
۸۸	«ترجمه وصیت نامه»
۸۹	از وصیت های امام حسن مجتبی(علیه السلام)
۸۹	از وصیت های امام حسین(علیه السلام)
۹۰	از وصایای امام زین العابدین(علیه السلام)
۹۱	از وصیت های امام محمد باقر(علیه السلام)
۹۱	از وصیت های امام صادق(علیه السلام)
۹۲	از وصیت های امام کاظم(علیه السلام)
۹۲	از وصایای امام رضا(علیه السلام)
۹۳	از وصیت های امام جواد(علیه السلام)

از وصایای امام هادی(علیه السلام) -----	۹۳
از وصایای امام حسن عسکری(علیه السلام) -----	۹۴
از وصیت های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء) -----	۹۴
از وصیت نامه ی الهی و سیاسی امام خمینی(قدس سزه) -----	۹۵
بیداری- استقلال -----	۹۵
قلب مطمئن -----	۹۶
فصل ششم: پیشنهادهای ویژه و مهم -----	۹۷
فصل هفتم: برخی احکام کلیدی ارث در دو بخش -----	۱۰۳
اشاره -----	۱۰۳
بخش اول: معرفی سه دسته ی اصلی وارثین -----	۱۰۳
بخش دوم ارائه مسائل کلیدی دیگر ارث -----	۱۰۵
تذکری به علما و فرهنگیان -----	۱۰۸
اشاره -----	۱۰۸
به یاد مادر مهربانم(ره) -----	۱۰۹
نماز مادر -----	۱۰۹
یادی از پدر مرحومم سید مسلم مدرسی(ره) -----	۱۱۰
تک ستاره (پدرجانم!) -----	۱۱۰
دعای بابا -----	۱۱۱
دعای مادر -----	۱۱۱
توجه -----	۱۱۱
یک امر مهم فراموش شده -----	۱۱۲
خاتمه: فرم و الگوی وصیت نامه -----	۱۱۲
روش نوشتن وصیت نامه آقایان -----	۱۱۳
روش نوشتن وصیت نامه خانم ها -----	۱۲۷
منابع عمده تحقیق [ذکر منبع دلیل تأیید نمی باشد] -----	۱۳۵
آثار چاپ شده مؤلف -----	۱۳۶

آثار چاپ نشده مؤلف ۱۳۷

مؤسسه قرآنی - پژوهشی پیامبر رحمت(صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۳۸

درباره مرکز ۱۳۹

سرشناسه: مدرسی، سید محمد طاهر، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: دستور و وصیت نامه شرعی و قانونی (پیش از سفر حج و ... وصیت لازم است) / سید محمد طاهر مدرسی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات ولایت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص؛ ۱۰ × ۱۴ س م.

شابک: ۳۹۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۷۲-۱۰-۴

یادداشت: چاپ قبلی: انتشارات ولایت، ۱۳۸۸ (۹۲ ص.).

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: وصیت و وصیت نامه ها (فقه)

موضوع: (Islamic law) Wills

موضوع: وصیت و وصیت نامه ها -- فرم ها و پرسش نامه ها

موضوع: Wills -- Forms

رده بندی کنگره: BP۱۹۲/۷: م ۵۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۶۰۰۰

ص: ۱

اشاره

- وصیت، دستور خدا (جل جلاله)، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه (علیهم السلام) است.
- وصیت در امور واجب، واجب و در امور مستحبی، مستحب است. : وصیت عمر و زندگی را پر بار می سازد. • وصیت غافلان را بیدار و بیشتر متوجه خدا و آخرت می کند : وصیت یکی از برنامه سفر به سوی خداست..
- وصیت شما را از اموال تان بهره مند می سازد.
- وصیت نامه، زندگی خانواده را نیز سامان می دهد.
- وصیت، بسیار مهم و اجتناب ناپذیر است.
- در این کتاب می خوانید .
- داستان مهم حاجی احمد احسانی .
- داستان های بسیار جالب و آموزنده .
- اهمیت وصیت، اقسام وصیت و....
- آداب محضر و آداب میت و....
- چکیده ای از وصایای قرآن مجید، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) و اصلاحیه روش های نامناسب موجود.
- مسائل مهم، عمده و کلیدی ارث مطابق فتوای مراجع تقلید .
- دو گونه فرم و روش نوشتن وصیت نامه آقایان و خانم ها.

فهرست.....	۷
پیشگفتار.....	۱۳
وصیت در سیره پیشوایان دین (علیهم السلام).....	۱۳
صیغه ی توبه.....	۱۵
ثواب داشتن کفن ...	۱۶
در کفن و جریدتین چه چیز نوشته شود؟.....	۱۶
فصل اول: داستان های وصیت.....	۱۹
مسافر مصمم (حاج احمد احسانی).....	۱۹
به سوی بیمارستان.....	۲۴
رازهای شگفت انگیز من.....	۲۶
آه از سرنوشت من :.....	۲۶

نتیجه ی آتش.....	۲۸
وصی بی تقوی (دزد رسمی).....	۲۹
جالب و خواندنی.....	۳۰
وصی مسئولیت شناس.....	۳۱
صلوات در اتاق بیمارستان	۳۳
دوستان نایاب	۳۴
نتیجه ی بی بندوباری.....	۳۴
الگوهای خودسازی.....	۳۵
نتیجه ی رازها:.....	۳۷
بازگشت از بیمارستان	۳۷
آخرین تصمیم عملی حاجی احمد.....	۳۸
وصیت نامه همسر حاجی احمد احسانی.....	۳۸
حاجی احمد احسانی و عکس العمل ها.....	۳۹
سرزنش و پاسخ.....	۳۹
وصی خود باشید.....	۴۰
فصل دوم: پیش زمینه و اهمیت وصیت.....	۴۱
اجل.....	۴۱
اهل دنیا و آخرت.....	۴۲
خوبی هر دو جهان در بیان معصوم(علیهم السلام).....	۴۴
آرزوهای ناسالم.....	۴۵
آرزوهای سالم.....	۴۶
اهمیت وصیت.....	۴۷
تأخیر وصیت.....	۴۸

۴۸.....	وصیت یا خانه سازی.....
۴۹.....	آخرت مرگ بدون وصیت.....
۴۹.....	وصیت یک سوّم دارایی.....
۵۰.....	ضرر زدن به ورثه.....
۵۰.....	دزدان میراث، دزدهایی خانگی.....
۵۱.....	رابطه وصیت و خودکشی.....
۵۳.....	فصل سوّم: تعریف و مسائل مهم وصیت.....
۵۳.....	تعریف وصیت.....
۵۳.....	شرایط شرعی وصیت کننده و وصی و.....
۵۳.....	اقسام وصیت.....
۵۴.....	زمان وصیت.....
۵۴.....	محتوای وصیت کامل.....
۵۵.....	یکی از الگوهای وصیت از زبان وحی.....
۵۵.....	برخی از وظایف وصیت کننده.....
۵۶.....	ادامه وصیت نامه آقای احسانی و همسرش:.....
۵۶.....	راه حق در وصیت خدا به انسان:.....
۵۶.....	وجوب دوستی خدا.....
۵۷.....	وجوب دوستی پیامبر و آل(علیهم السلام).....
۵۸.....	ادامه ی وصیت نامه ی حاجی احمد.....
۵۸.....	لزوم تقوی پیشگی.....
۵۹.....	ضرورت اهتمام به نماز.....
۶۰.....	ضرورت اهتمام به روزه.....
۶۰.....	لزوم توجه به وجوهات و.....

- داشتن تولی و تبری..... ۶۱
- اهتمام به حقوق مردم..... ۶۱
- لزوم رعایت حقوق والدین..... ۶۲
- توجه به تربیت فرزندان..... ۶۲
- ضرورت حفظ حجاب..... ۶۳
- پرهیز از نظر کردن به نامحرم..... ۶۴
- نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم..... ۶۴
- ضرورت پرهیز از اختلاف..... ۶۵
- پرهیز از بدگمانی..... ۶۵
- پرهیز از غیبت..... ۶۶
- پرهیز از تهمت..... ۶۶
- دوری گزیدن از ریا کاری..... ۶۶
- توصیه به صبر و شکیبایی..... ۶۷
- به یاد گذشتگان..... ۶۷
- فصل چهارم: آداب محضر و آداب میت..... ۶۹
- الف - برخی از آداب محضر..... ۶۹
- «نکته مهم»..... ۶۹
- پیشنهاد به بیمارستان ها..... ۷۰
- دعای مخصوص حالت احتضار..... ۷۱
- ب - آداب بعد از مرگ..... ۷۱
- فصل پنجم چکیده برخی از وصایای مهم..... ۷۳
- از وصیت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)..... ۷۳ بخشی از وصیت های پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)..... ۷۴

از وصیت های امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) ۷۵

وصیت نامه ی مهم و مشهور امام علی (علیه السلام) ۷۶ وصیت نامه ی مهم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۷۸

«ترجمه وصیت نامه»..... ۷۸

از وصیت های امام حسن مجتبی (علیه السلام)..... ۷۹

از وصیت های امام حسین (علیه السلام)..... ۷۹

از وصایای امام زین العابدین (علیه السلام)..... ۸۰

از وصیت های امام محمد باقر (علیه السلام)..... ۸۱

از وصیت های امام صادق (علیه السلام)..... ۸۱

از وصیت های امام کاظم (علیه السلام)..... ۸۲

از وصایای امام رضا (علیه السلام)..... ۸۲

از وصیت های امام جواد (علیه السلام)..... ۸۳

از وصایای امام هادی (علیه السلام)..... ۸۳

از وصایای امام حسن عسکری (علیه السلام)..... ۸۴

از وصیت های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء)..... ۸۵

از وصیت نامه ی الهی و سیاسی امام خمینی (قدس سره)..... ۸۵

بیداری استقلال..... ۸۵

قلب مطمئن..... ۸۶

فصل ششم: پیشنهاد های ویژه و مهم..... ۸۷

فصل هفتم: برخی احکام کلیدی ارث در دو بخش..... ۹۳

بخش اول: معرفی سه دسته ی اصلی وارثین..... ۹۳

بخش دوم ارائه مسائل کلیدی دیگر ارث..... ۹۵

تذکری به علما و فرهنگیان..... ۹۸

توجه.....	۱۰۱
یک امر مهم فراموش شده	۱۰۲
خاتمه: فرم و الگوی وصیت نامه	۱۰۲
روش نوشتن وصیت نامه آقایان	۱۰۳
روش نوشتن وصیت نامه خانم ها.....	۱۱۷
منابع عمده تحقیق.....	۱۲۵

سپاس خدای را که مرگ و زندگی را به عنوان دو پدیده مهم، مثبت و ارزشمند آفرید تا بیازماید که چه کسی نیکوکارتر است، و درود بی پایان خدای سبحان، فرشتگان و کائنات بر پیامبران الهی (علیهم السّلام) به خصوص نبی خاتم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلّم) و آل طاهرین او (علیهم السّلام) که نجات بخش بشریت اند، و رحمت بر مؤمنان مخلص و بندگان صالح خدا که با «وصیت مشروع» زندگانی دنیا و آخرت شان را سامان بخشیده اند.

وصیت در سیره ی پیشوایان دین (علیهم السّلام)

پیامبران الهی از حضرت آدم (علیه السّلام) تا نبی خاتم (صلی الله علیه و آله و سلّم) و اوصیای بزرگوارشان: وصیت های مهمی داشته اند و نیز دستور داده اند که هر مسلمانی باید وصیت کند تا افزون بر پاداش از مال و دارایی شان بی نصیب نمانند. در این باره آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به ذکر برخی روایات بسنده می شود.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْوَصِيَّةَ عِنْدَ مَوْتِهِ كَانَ نَقْصًا فِي

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که در وقت فوت خود خوب وصیت نکند [وصیت مشروع و معقول] این کار، نقصی در عقل و اندیشه و مرّوت اوست...»

عَنِ الرَّسُولِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ مَاتَ عَلَى وَصِيَّتِهِ حَسَنَةً مَاتَ شَهِيداً.»(۲)

«کسی که با وصیت نیکو و خوب بمیرد با مقام شهید مرده است.»

مستحب است که انسان در زندگی همواره آماده ی سفر آخرت باشد؛ یعنی (وصیت کند، امانات مردم را برگرداند، بدهکاری ها را بپردازد، کفن برای خود آماده نماید، کارهای خود را منظم سازد و از گناهان گذشته ی خود توبه کند که واجب است و توبه را به تأخیر نیندازد).

حضرت لقمان(علیه السلام) به پسر خود وصیت کرد و فرمود: «ای پسر!

توبه را به تأخیر مینداز که مرگ، ناگهانی می آید.»(۳) [مرگ کسی را خیر نمی کند.]

آری، مرگ حتمی و علاج ناپذیر است و هرگز در اختیار انسان نیست. انسان با یک تفکر جدی می تواند برترین سرنوشت را برای خود رقم بزند و دنیا و آخرت را با یک دید عرفانی تحلیل کرده و برترین راه و روش را برگزیند.

آری باید توجه داشت که ظواهر و مادیات زندگی و زرق و برق دنیایی زایل می شوند، ثروت، ریاست، قدرت، شهرت و... هم خود فانی شدنی است و هم جلو اجل را نمی توانند بگیرند اما ایمان، حقایق، اعمال شایسته و ارزش های دینی، ابدی و پایدارند و نیز زندگانی جاودانی را به ارمغان می آورند.

جلال الدین محمد بلخی در یکی از شعرهایش زنگ خطر را به صدا آورده است و مسئله را عینی ساخته می گوید:

ص: ۱۴

۱- فلاح السائل، ص ۶۶ و میزان الحکمه: باب وصیت ۶۸۳۸

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲ ص ۱۱۸

۳- بحارالانوار، ج ۷۱ ص ۳۰۷

عاقبت خاک شود حسن جمال من و تو

خوب و بد می گذرد وای به حال من و تو

قرعه امروز به نام من و فردا دگری است

می خورد تیر اجل بر پروبال من و تو

مال دنیا نشود سدّ ره مرگ کسی

گیرم ار کل جهان باشد از آن من و تو...

فشرده ی سخن این که رهایی از پنجه ی توانمند مرگ امکان ناپذیر است، اما آن چه که مهم است خوب مردن است که خود زندگانی جاوید است و بستگی به ایمان، اراده و عمل صالح و شایسته دارد.

چه زیبا گفته است شاعر زیبا سخن:

دلا باید که از دار فنا رفت

شتابان جانب ملک بقا رفت

خوشا آن کس که با ایمان کامل

ز دنیا با ولای مرتضیٰ (علیه السلام) رفت

بدون تردید انسان خطا و اشتباه دارد که می توان آن را با توبه راستین جبران کرد و با آبشار توبه، پاکیزگی و صفا را باز یافت و افزون بر آن محبوب خدای بزرگ شد؛ انسان به هر شکل و به هر زبانی می تواند توبه کند، و برای راهگشایی مناسب توبه کلمات متین و جالبی در فرهنگ ما بیان شده است تا بتوان از آن بهره بهتر گرفت، مثل صیغه توبه:

صیغه ی توبه

شایسته است که انسان با غسل و نیت خالص، تصمیم قاطع، و اعتراف

قلبی این گونه توبه کند:

«إِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ جَمِيعَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ وَ جَمِيعَ خَلْقِهِ، أَنِّي نَادِمٌ عَلَى مَا سَلَفَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعَاصِي وَ مُعْتَرِفٌ بِهَا، وَ أَنِّي عَازِمٌ عَلَى أَنْ لَا أُعَوِّدَ إِلَيْهَا، وَ قَدْ عَاهَدْتُ اللَّهَ تَعَالَى، عَلَى ذَلِكَ أَلْفَ عَهْدٍ فِي عُنُقِي يَطَالُبُنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.»

صیغه توبه، تابلوی راهنما است. مهم ترین توبه جبران مافات است که انسان حق الله و حق الناس را اگر مدیون باشد باید بپردازد و طلب مغفرت کند (مثل قضای نماز، روزه، خمس، زکات، حج، کفاره، مظالم العباد، قرض و دین و دیه اگر مدیون باشد، تاوان، مهریه زن، حق میراث و...) با انجام آن ها استغفار کند و اگر نتوانست یا نرسید باید وصیت کند که مطابق شریعت برایش انجام دهند.

ثواب داشتن کفن

از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است:

«کسی که کفن همراه خود در خانه داشته باشد از غافلان حساب نمی شود و هر گاه به کفن خود نظر کند خداوند به او اجر و پاداش می دهد.»(۱)

در کفن و جردتین چه چیز نوشته شود؟

سزاوار است که در هر پارچه ی کفن میت بعد از نوشتن نام و نام پدرش بنویسند:

ص: ۱۶

«يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ (عليهم السلام) أَيْمَنَهُ أَيْمَنَهُ هُدًى أَبْرَارٍ» (۱)

می شود که در جدیدترین (دو چوب تر و تازه که با میت می گذارند) این کلمات را با تربت حضرت امام حسین (علیه السلام) بنویسند. یا از نسخه ای که در برخی از کتب ثبت شده است بنویسند.

خواننده ی عزیز! کتابی را که در دست دارید دارای هفت فصل و یک خاتمه به این شرح می باشد:

فصل اول: داستان های وصیت (جالب و خواندنی)

فصل دوم: پیش زمینه و اهمیت وصیت.

فصل سوم: تعریف و مسائل مهم وصیت

فصل چهارم: برخی آداب مختصر و آداب میت.

فصل پنجم: چکیده ی برخی وصایای مهم (قرآنی و وصایای نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه طاهرين). (علیهم السلام)

فصل ششم: پیشنهاد های ویژه و مهم

فصل هفتم: برخی احکام کلیدی ارث در دو بخش

خاتمه: دو قسم فرم وصیت نامه

منظوره اهمیت وصیت در آیات و روایات، مسائل مهم ارث و

داستان مسافر مصمم بوده است؛ لطفاً یک بار این کتاب را مطالعه کنید.

ص: ۱۷

۱- مفاتیح الجنان ص ۱۲۶۹.

در این فصل داستانی از یک انسان وارسته درباره ی وصیت، آمده است که به حق آموزنده و سازنده است. به دوستان سفارش می شود که با دقت این داستان ها را بخوانند.

مسافر مصمم (حاج احمد احسانی)

یک روز پدر پیری در گوشه خانه نشسته بود و به محاسن سفید خود دست می کشید، اشک هایش دانه دانه بر گونه هایش می غلتید، شانه های ناتوانش می لرزید و سخت ناراحت بود.

یکی از فرزندانش (صادق) که پسر زرنگ، خردمند، حساس و مؤدب بود، و پدر و مادر و... خود را بسیار دوست داشت

متوجه پدر مهربانش شد، با خود گفت: پدرم هر روز بعد از تعقیب نمازش خرسند و شاداب می نشست و با بچه ها و نوه هایش صحبت می کرد، اما امروز به گوشه ی خانه خزیده و نگران نشسته است.

صادق طاقت نیاورد مؤدبانہ جلو آمد، سلام کرد، دست پدر را بوسید و با صدای لرزان گفت: پدر! می بینم نگران و گریان هستید؟

پدرش آهی سوزناک از دل کشید و گفت: پسر! سفر مهم و طولانی در پیش دارم!

- شما به سفر می روید؟

- آری پسر.

- با این پیری و ناتوانی سفر برای چه؟

- سفر اجباری است، چاره ای ندارم باید بروم.

- از سفر شما مادر و خانواده، خبر دارند؟

- چه عرض کنم، شاید اصلاً بدانند!

- پدر! مسافرت رفتن که ناراحتی و نگرانی ندارد، شما چرا گریان و ناراحت هستید؟

- پسر! این سفر با سایر سفرها فرق دارد.

- پدر! شما، کی به سفر می روید؟

- روز و ساعت آن معلوم نیست.

- پدرجان! آیا مادر یا برادرم با شما می آیند؟

- خیر پسر.

- شما به تنهایی سفر می کنید؟

- بله پسرجان! به تنهایی (آه آه از تنهایی).

- پدرجان! هیچ کسی همراه شما نیست؟

- شاید شاید چه عرض کنم ...

- کسی به شما کمک و رسیدگی می کند؟

ص: ۲۰

- چه می دانم [آه می کشید و اشک می ریخت. ناگه از سوز دل فریاد زد «یا حسین!».

- پدرجان مرا با خود نمی برید؟.

- خیر، امکان ندارد خدا شما را حفظ کند.

پیرمرد آه کشید و با صدای لرزان گفت: خدایا! جز به رحمت تو، و عنایات پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم)، علی(علیه السلام)، زهرا(علیها السلام) و خاندان رسالت امیدی ندارم.

پسر باهوش احساس کرد پدرش منظور دیگری دارد، از جایش بلند شد با رنگ پریده و بدن لرزان نزد مادرش آمد و گفت: مادر! پدرم عزم سفر دارد، و سخنان عجیبی می گوید.

- پسر! پدرت به سفر می رود؟ عجیب است.

- آری مادرجان.

- پسر! او شوخی می کند، چه سفری؟

پسر حساس و زرننگ دوید به خانه ای که بعضی از برادران و خواهرانش بودند، سلام کرد. آنان هم با مهربانی جواب سلامش را دادند اما احساس کردند که این کودک پیامی دارد.

پس از چند لحظه سکوت سنگین، صادق گفت: شما خبر دارید که پدر به مسافرت می رود؟

گفتند: آقا صادق شوخی می کند، چه مسافرتی؟ او توان مسافرت رفتن را ندارد.

صادق به گوشه ی چشم نگاه کرد که هر سه عروس زیرچشمی به هم نگاه کردند و لبخند زدند، یکی گفت: سفر؟! کاش زودتر. دیگری گفت: شاید سفر مرگ باشد، سخن سوّمی را کودک متوجه نشد (بعد معلوم شد که عروس

سوّمی سخت ناراحت شده و گفته است که این حرف ها چیست؟ او رحمت و برکت است).

دختر کوچک تر (معصومه) که بسیار بابایی بود ناراحت شد و باعجله خود را به پدر رسانید، دید پدرش غمگین و نگران است، تسبیحی از خاک کربلا را در دست دارد و لب های لرزانش مشغول ذکر و دعا است و اشک در چشمان کم نورش حلقه زده است دختر مهربان به پدرش سلام کرد، جواب سلام را بریده بریده از پدر شنید، دست پدر را بوسید و گفت: پدرجان! شما عزم سفر دارید؟.

- آری دخترم، ناگزیر از مسافرتم.

- پدرجان! سفر چرا؟.

- عزیزم چاره ای نیست.

- پدرجان! کی حرکت می کنید؟.

- دخترم! بستگی به اراده خداوند دارد.

- پدرجان! چه وقت برمی گردید؟

- دخترم! در این باره سؤال نکنید!

- پدرجان! شما باید زود به زود تلفن بزنید.

پدر آهی از دل کشید و گفت: از تلفن زدن معذورم! تلفن، تلفن، تلفن آه چگونه تلفن بزنم!؟.

کاش شما مرا فراموش نکنید و تلفن بزنید! اشک پیرمرد مثل رگبار بهاری بر محاسن سفیدش سرازیر شد.

دختر نازپرورده اش با ناراحتی تمام به نزد مادرش آمد در حالی که قطره قطره اشک بر گونه های معصومش می غلتید، گفت: مادر! پدرم خیلی ناراحت است و گریه می کند و عزم سفر دارد.

دخترم! ناراحت نباش پدرت به سفر نمی رود.

سپس خانم، خدمت شوهرش آمد سلام کرد، پیرمرد با آه سوزناک جواب سلام را داد.

خانم: چه شده چرا گریه می کنید؟ از چه مسافرتی صحبت می کنید که همه را ناراحت کرده اید؟! مسافرت برای چه؟ مگر توان مسافرت دارید؟ در گوشه ی خانه به یاد خدا باشید نه به فکر سفر.

پیرمرد با صدای لرزان گفت: مگر نمی دانی که کار من تمام است و عمرم به پایان رسیده است. سفر، سفر آخرت است! من برای دنیا خیلی زحمت کشیدم و برای خانواده و بچه ها بسیار کار کردم اما عمر خویش را به غفلت سپری کردم و برای آخرت خود کاری نکردم. می دانم که دستم خالی، عملم ناچیز، قبرم تاریک، سفرم طولانی، آینده ام نامعلوم است و... چه کنم که گریه نکنم؟ در آخر عمر هیچ کاری از من ساخته نیست آه، آه، آه.

چه کسی به فریادم می رسد، آیا شما خانم مهربان؟ یا فرزندان، اقوام، دوستان و... نه نه، هیچ کسی جز خدا و اعمال ناچیزی اگر داشته باشم!.

خانم: خدا را شکر کنید، فرزندان برای شما دلسوز هستند و آبرومندانه متوجه شما هستند....

پیرمرد: من متوجه هستم، مراسم فاتحه، عزاداری، روز هفتم، چهلم و... برای چشم و هم چشمی ها و رقابت های جاهلانه و ریاکاری خواهد بود و به حال من هیچ فایده ای نخواهد داشت! من نمی دانم آیا درباره ی واجبات من (نماز، روزه، زکات، خمس، مظالم عباد، بدهکاری ها و...، کسی از فرزندانم توجه خواهند کرد یا نه؟ نمی دانم، نمی دانم، همه به فکر کار خود خواهند بود، و مرا فراموش خواهند کرد!! گرچه از فرزندان و بعضی از نزدیکانم امیدوار هستم اما برخی دیگر را چه بگویم؟

ص: ۲۳

سپس ساکت شد و سر به زانوی غم نهاده اشک می ریخت؛ سکوت سنگین فضای خانه را فرا گرفته بود، لحظه ها به کندی می گذشت. ناگاه صدای روحبخش اذان مغرب سکوت را شکست، اهل خانه برای نماز و صرف شام رفتند، شب سپری شد و پس از نماز صبح تحویل جدید پدید آمد ...

به سوی بیمارستان

اشعه ی طلایی خورشید از پنجره ها سر می کشید... ناگهان پیرزن فریاد کشید: آی بچه ها! بچه ها! دو نفر از پسران (مهدی و صادق) و یک دختر (فاطمه) و یک عروس (همسر عباس که بسیار با ادب و با اخلاص بود) دویند وارد خانه شدند با منظره ی دلخراش افتادن پیرمرد در کنار پنجره رو برو شدند، فوراً او را برداشتند و با ماشین شخصی شان به بیمارستان بردند ...

معصومه که پدرش را بسیار دوست داشت دید که یکی از عروس ها از پشت شیشه ی پنجره نگاه می کند و می خندد. معصومه فریاد زد: خجالت بکش چرا می خندی؟ عروس: خفه شو! دخترک نازنازی، وقت یتیم شدن توست! دیگر از غرغر آن پیر خرفت راحت خواهیم شد.

معصومه که دیگر چاره ای نداشت با اشک و آه آمد که از برادرانش خبر بگیرد که چرا با پدرشان به بیمارستان نرفته اند، دید یکی از پسران (عباس) موی سر خود را شانه می کند، دو تای دیگر (پرویز و خسرو) هنوز به خواب ناز هستند! دختر فریاد کشید وای چرا با پدر به بیمارستان نرفتید؟! پرویز عریده کشید، ساکت باش! بگذار بخواهیم، اگر مُرد شاید کسی زیر خاکش کند!!!

دختر با سرعت هرچه تمام تر آمد پای تلفن که خواهرانش را باخبر کند، دید کسی با تلفن صحبت می کند، گوش داد که همسر خسرو با برادرش صحبت

می کند و می گوید: او را به بیمارستان بردند شاید دیگر برنگردد، و از این زندگی دسته جمعی و شلوغ بازار، نجات پیدا کنیم.

[زندگی دسته جمعی مشکلات فراوان دارد، در حدّ توان باید آن را حل کرد.]

معصومه آرام گوشی تلفن را گذاشت، گوشی را برداشت صحبت قطع شد، معصومه با خواهرش تماس گرفت و گفت: کجایی زود بیا که حال پدرمان خوب نیست، پدر را به بیمارستان بردند.

آن دختر بیچاره پشت تلفن شوکه شد و فریادی زد؛ گویا جهان در نظرش تاریک شد، گوشی را پرت کرد و با هر سه طفلش به خانه ی پدرش آمد، دست به گردن خواهرش انداخت و هر دو اشک می ریختند که زنگ در به صدا درآمد، در را باز کردند دیدند که آقا صادق با فاطمه و خانم عباس آقا از بیمارستان برگشتند، گفتند آرام باشید حال حاج بابا بهتر شده است.

خواهران پرسیدند: ناراحتی ایشان چه بوده است؟

صادق: فشارشان افتاده بود و ناراحتی قلبی هم که داشت اگر چند دقیقه ی دیگر به دکتر نمی رسید خطرناک بود.

هر دو خواهر با مشورت برادرشان چند تا آبمیوه از مغازه گرفتند و به بیمارستان رفتند دیدند که پدرشان راحت روی تخت قرار دارد و سرّ که به دستش وصل است و قطره قطره می چکد، و مادرشان کنار سر و برادر بزرگ (آقا مهدی) پایین پای پیرمرد نشسته اند. دختران سلام کردند و از این که حال پدرشان خوب بود خوشحال شدند. دیدند که پنج نفر دیگر نیز در این اتاق هستند.

سرّ پیرمرد (حاجی احمد احسانی) رو به تمام شدن بود که سه نفر دکتر و دو نفر پرستار، وارد اتاق شدند، گفتند شما بیرون باشید.

مهدی: لطفاً بفرمایید که پدرمان امشب این جا می ماند یا به خانه ببریم؟

دکتر پرونده و وضع پیرمرد را نگاه کرد، گفت: امشب باید بماند شما مطمئن باشید. سپس فرزندان از پدر اجازه گرفته به خانه رفتند و مادرشان کنار همسرش ماند. (او یار باوفاست اما ...)

رازهای شگفت انگیز

پس از بیرون رفتن دکترها، پیرمرد روی تختش نشست. به سایر بیمارانی که در اتاق بودند سلام کرد و حالشان را پرسید، سپس صحبت شروع شد، خانم گوش می داد که چه صحبت هایی می شود.

یکی از بیماران (کریم انوری) گفت: آقای احسانی فرزندان خوب و باادبی دارید.

پیرمرد: فرزند هرطور باشد پدر و مادر آنان را دوست دارند و از فضل خداوند برخی از فرزندانم خیلی خوب هستند، بعضی دامادها و عروس هایم نیز دوست داشتنی هستند؛ من در حق آنان دعای خیر دارم و از الطاف خداوند سپاس گزارم.

آه از سرنوشت من

کریم انوری: من خیلی بدبختم! سه پسر و دو دختر دارم، آنان تا بیمارستان مرا نیاوردند، همسایه ها زحمت کشیدند. در این چهار روز که در بیمارستانم و از درد می سوزم از من خبر نگرفته اند!

پیرمرد: آقای انوری! شما با پدر و مادر خود چگونه برخورد داشته اید که امروز از فرزندان خود شکایت دارید؛ دنیا دار مکافات است!

انوری: برخورد من بدبختانه با والدینم خوب نبود که جداً پشیمانم! و

پیرمرد: پس از رحلت والدین چه کردید؟

انوری: چه عرض کنم؛ وقتی پدرم از دنیا رفت چون پسر بزرگش بودم، مرا وصیتش قرار داد و به من وصیت کرد: یک سال نماز، یک ماه روزه، هفتاد نماز آیات و...؛ اما متأسفانه من به وصیت هایش عمل نکردم. الآن فکر می کنم که تمام بدبختی های من از همین ناحیه است؛ ما سه تا برادر و دو خواهر بودیم. دو برادر و یک خواهر ما صغیر بودند، یک خواهر ما هم ازدواج کرده بود بعد از مراسم چهارم پدرم، به وسوسه ی همسرم گوسفندان، زمین و باغ پدری را فروختم هرچه خواهرم داد زد قبول نکردم از روستا به شهر آمدم و بچه های یتیم پدر را در همان خانه ی روستایی با شش رأس گوسفند و فرش و ظرف کهنه گذاشتم.

آخوند محل سه مرتبه با من صحبت کرد که چرا مال صغیرها را تصرف می کنی؟ خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است، چرا به وصیت پدر خود عمل نمی کنی؟ و...، هر بار که صحبت می کرد من جواب سربالا می دادم تا بالأخره با آخوند محل دعوا کردم که تو برای من موی دماغ شدی و او را از خانه بیرون کردم.

پیرمرد: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» آه از غفلت و گمراهی!

انوری: آقای احسانی! به دنباله ی صحبت هایم توجه کنید. من با پول هایی که از میراث پدر و مال همه ی ورثه بود یک خانه که دارای یک مغازه بود رهن و اجاره کردم و برای خانه فرش و ظرف و لوازم تهیه کردم، ظاهراً زندگی من سروسامان گرفت، از این وضعیت خوشحال بودیم گاهی که خواهر و برادرم به شهر می آمدند به خانه ما هم سری می زدند. من و همسرم با ایشان برخورد بد می کردیم، بعد از سپری شدن پنج ماه و بیست روز، شبی با همسر و بچه ها

به عروسی یکی از اقوام مان رفته بودیم فردای آن روز برگشتیم که مغازه و خانه، آتش گرفته و کاملاً سوخته است!! هرچه دار و ندار ما بود همه تبدیل به خاکستر شده بود. پس از آن با زحمتِ طاقت فرسا خسارت خانه و مغازه را پرداختم و دیگر روز خوشی ندیدم. از شما چه پنهان پیش اهل روستا و بستگان شرمنده ام دیگر رو ندارم به آن روستا بروم. آخوند محل را دوبار در خیابان دیدم و خودم را کنار کشیدم. الآن فکر می کنم بدبخت ترین آدم دنیا هستم، همسرم سال گذشته در گوشه خانه اجاره ای از دنیا رفت با مشکلات فراوان مراسم ختمش را سپری کردم و هنوز بدهکارم.

نتیجه ی آتش

جناب آقای احسانی! آن آخوند نسبت به من دلسوزی داشت و نصیحت های خوبی برایم می کرد و گویا همین روزهای تلخ را برای من به تصویر می کشید، ضررهای دنیایی و آخرتی عمل نکردن به وصیت و خوردن مال مردم و حق یتیمان را بیان می کرد و می گفت: «خوردن مال یتیم مثل خوردن آتش است و جای تو در جهنم است!!»

من سخنان حکیمانه ی آن روحانی دلسوز را که به حق دکتر معنوی بود قبول نکردم آخر آتش مرا خورد و جهنم را در دنیا دیدم.

سپس کریم انوری آهی کشید و سر را تکان داد و شروع کرد به اشک ریختن و گفت: اگر در این شرایط بمیرم، چه کسی مرا کفن و دفن می کند، تنها امیدواری من به خواهرانم است، [آن هایی که حق میراث شان را زهر مار کردم]. من شرمنده ی آن ها هستم، این بود نمونه ای از جهنم دنیایی که دارم، نمی دانم در آخرت چه عذاب هایی در انتظار من است، جواب خدا و والدینم را چه خواهم داد؟.

آقای احسانی (پیرمرد) گفت: از خدا ناامید نباش و توبه کن. باید حقوق آنان را برگردانی و رضایت شان را جلب کنی! وصیت خوب است و شما هم باید به وصیت عمل می کردید. عمل کردن به وصیت واجب و لازم است، و هنوز دیر نشده است، باید همواره خدا را در نظر داشت و شما نباید مأیوس و ناامید شوید؛

اگر توبه ی واقعی کنید خدای سبحان شما را خواهد آمرزید.

وصی بی تقوی (دزد رسمی!)

یکی از بیماران (آقای دلاوری) گفت: اگر خود آدم ایمان و تقوی نداشته باشد، وصیت نامه چه کند؟ این بابا (آقای انوری) به وصیت نامه ی پدرش چه قدر عمل کرد که دیگران عمل کنند؟!

پدر من هم وصیت نامه داشت و هم مال و دارایی؛ وقتی که از دنیا رفت، عمویم را وصی خود تعیین کرد، من یازده ساله بودم، برادرم نه ساله و خواهرم شش ساله. یک سال پس از فوت پدر مرحومم مادرم با عمویم ازدواج کرد، تا دو ماه بعد از ازدواج شان وضع مان بهتر بود، ولی بعد از آن، کارهای دشوار به دوش ما بود و عمویم با هر دو زن و دو فرزندش دارایی ما را حیف و میل کردند، (وصیت پدرم فراموش شد و...) ما با لباس های کهنه و گاهی با حال بیماری در یک اتاق سرد با پتوهای کهنه و چرکی سپری می کردیم و عمویم می گفت من خودم وصی برادرم می باشم! وصی بود اما تقوی نداشت و دزد با چراغ بود!

یک عمه و یک عموی بزرگتر داشتیم، گاهی می آمدند و می گفتند: «چرا دل شما به حال فرزندان یتیم برادرتان نمی سوزد؟ اموال پدرشان چه شد؟» عموی بی انصاف ما با آن ها دعوا می کرد و مادرم هم خود را کنار می کشید! تا آن که پس از سه سال ما را از خانه بیرون کردند. تنها خواهرم با ایشان ماند،

می خواستیم علیه عمومی مان شکایت کنیم که اتفاقاً در یک تصادف با هر دو همسرش کشته شد، پول های عمومی در اختیار دو نفر از دوستان بی بندوبارش بود که آن ها هم پول ها را انکار کردند.

جالب و خواندنی

یکی دیگر از بیماران به نام «سید حسین احمدی» گفت: آقای احسانی! حالا که هر کس دفتر زندگی خود را باز کرد من هم خوب است عراضی داشته باشم.

پدر ما (سیدمحمد احمدی) خدمت گزار حسینی و مسجد، اهل نماز و روزه و عبادت بود. ماه محرم و صفر همواره لباس مشکی می پوشید و از اموال خود، خرج حسینی و مجالس عزاداری امام حسین(علیه السلام) می کرد.

مادرم را پیش از اذان صبح بیدار می کرد که پس از نافله ی شب و نماز صبح وسایل حسینی و صبحانه را برای عزاداران، آماده کند. چون در روستای ما بعد از نماز صبح، روضه بود. والدین ما نمازهای شان را در اول وقت می خواندند و ما را نیز چنین بار آورده بودند.

پدرم همه ساله در اول نوروز، حساب سال داشت. ایشان آخوند محل را می آورد، سهم و خمس خود را حساب می کرد و هر سال وصیت نامه ی خود را تجدید می نمود و می گفت: «وصیت نامه ضروری است اگر وصیت نامه نداشته باشید غیر از کفن و دفن از بقیه اموال و دارایی خود محروم هستید» و در بین مردم اعلام می کرد که همه ی شما باید وصیت نامه داشته باشید.

با صراحت می گفت: «کسی که نماز نمی خواند حقّ داخل شدن به حسینی را ندارد. کسی که حساب سال ندارد و وجوهات نمی دهد، نباید در نذر او شرکت کرد.»

پدرم می گفت: «امام حسین (علیه السلام) برای روضه خوانی و سینه زنی شهید نشده است، بلکه برای حفظ دین و نماز و عبادت و برای عدالت و امر به معروف و نهی از منکر شهید شده است...»
پدرم دو بار به کربلا مشرف شده بود. برای ما مهر، تسییح، گردن بند از خاک کربلا و نیز خلعتی آورده بود. هم چنین برای ما از نهر فرات و از نهر علقمه ی حضرت ابی الفضل (علیه السلام) آب آورد.
پدرم همواره از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یاد می کرد و برای سلامتی و فرج آقا دعا می کرد و صدقه می داد.

فراموش نمی کنم زمانی را که پدرم مریض شد و ۱۲ روز بیماری ایشان طول کشید. تمام اهل روستا و از روستاهای دیگر به عبادت او می آمدند و برای او دعا می کردند؛ در روز سوّم مریضی خود، همسر، فرزندان، برادران و خواهران خود را جمع کرد وصیت نامه ی خود را به دست برادر بزرگم (سیدعلی) داد که بخواند (پدرم ما را قرآن خواندن و سواد آموخته بود).

وصیّ مسؤولیت شناس

برادرم سیدعلی احمدی با صدای بلند وصیت نامه ی پدرم را

خواند، و پدرم در همان مجلس دوباره وصیت نامه را به امضای همسر و فرزندانش رساند و سه بار تکرار کرد که سیدعلی وصیّ من است. سیدعلی نیز در حضور جمع قبول کرد. سپس پدرم دفترچه ای آورد که در آن طلبکاری ها و بدهکاری هایش نوشته شده بود و حتّی سهم مبارک امام (علیه السلام) و سهم سادات عظام و زکات و زکاتِ فطره را هم یادداشت کرده بود.

در وصیت نامه اش نوشته بود: «پیراهن مشکی مرا که در عزاداری امام حسین (علیه السلام) می پوشیدم داخل قبر، زیر پهلوی راستم بگذارید.»

او به فرزندان سفارش کرده بود که: عزاداری امام حسین (علیه السلام) را خوب برگزار کنند و نیز سفارش کرده بود که همواره خدمتگذار مادرشان باشند و او را نرنجانند.

سرانجام، سحرگاه پنجشنبه پدرم فوت کرد. تشییع جنازه ی پدرم بسیار باشکوه بود. و شب جمعه به خاک سپرده شد. از روز شنبه که سوّمین روز فوت پدرم بود، سیدعلی آخوند محل را دعوت کرد و وصیت نامه را باز نمود، اولین چیزی که روی آن توجه شد مهریه ی مادرم بود. در وصیت نامه آمده بود، که چندین بار من مهریه ی همسرم را به ایشان داده ام اما ایشان نگرفته اند. اوّل مهریه ی او را بپردازید! سپس ثلث (یک سوّم) اموال مرا به مصارفی که به شرح زیر تعیین شده است برسانید:

۱- نماز قضا (نماز یومیّه و نماز آیات)

۲- روزه قضا ۳۰- زکات و زکات

۴- سهم مبارک امام (علیه السلام).

۵- سهم سادات عظام. ۶- مظالم عباد. ۷- حج میقاتی.

۸- مراسم عزاداری. ۹- هزینه ی تحصیل یک طلبه ی فقیر.

۱۰- مصرف برای حسینیه. ۱۱- مصرف برای مسجد محل.

۱۲- کمک به ده نفر یتیم. ۱۳- قرآن وقفی ۱۴ جلد.

۱۴- کمک به برخی از اقوام. ۱۵- خرج ازدواج یک یتیم.

۱۶- تأمین جهیزیه ی دختری که معلّم قرآن بود.

مابقی اموال هم بین ورثه تقسیم شد.

[وصی باید باتقوی، آگاه به مسایل دینی و بی اعتنا به مال دنیا باشد، وصیت را قبول کند و...]

پدرم دوتا داماد داشت. داماد کوچک تر نظرش خوب بود، اما داماد بزرگ تر که

بی سواد هم بود از این وضعیت راضی نبود (شاید انتظار میراث بیشتری را داشت) هر چه هم بق زد و خمیازه کشید کسی توجه نکرد، عنوان داماد و عروس مهم نیست. مهم ایمان و تقوا و تربیت سالم است، راستی عروس های پدرم، بسیار او را دوست داشتند و مرتب دعا می کردند. عروس بزرگ پدرم (همسر سیدعلی) در اتاقی دیگر نشسته و قرآن می خواند و هر دو کودک او در کنارش بازی می کردند. (تمام آن صحنه ها برای من خاطره انگیز و فراموش ناشدنی است.) یک برادرم به نام سید هادی و یک خواهرم (طیبه) صغیر بودند؛ حق آنان را کاملاً جدا کردند و در دفتر نوشتند و به مادرمان محول کردند، چون پدرم، مادرمان را به عنوان قیم و سرپرست فرزندان تعیین کرده بود. پس اگر وصیت این گونه باشد و وصی، خدا را در نظر بگیرد و این طور عمل کند خوب نیست؟.

آقای احسانی: بلی اگر وصی، آدم درست و خداترس باشد، به وصیت عمل خواهد کرد.

صلوات در اتاق بیمارستان

افراد داخل اتاق سرا پا گوش شده بودند و تحسین می کردند. یکی از بیماران: نثار روحش صلوات! همه با صدای بلند صلوات گفتند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُمْ»

یکی از پرستاران سراسیمه آمد، گفت: چه خبر؟ گفتند: خبری نیست. گفت: شما صلوات فرستادید ما نگران شدیم.

- خیر؛ مشکلی نیست، ما برای گذشتگان مان صلوات فرستادیم.

پرستار: صلوات آری، اما این جا بیمارستان است.

آقای احمدی: معذرت می خواهم. سپس چند دقیقه سکوت حاکم شد.

آقای احسانی (پیرمرد) سکوت را شکست و به هم اتافی های دیگرش گفت: شما صحبت نکردید؟.

دوستان ناباب

یکی از بیماران (آقای نادری) گفت: بهتر است بنده صحبتی نداشته باشم.

آقای احسانی: چرا؟ شما هم صحبت کنید.

آقای نادری: ما دو برادر و یک خواهر بودیم، ما دو برادر خیلی بد بودیم. یعنی بد نبودیم اما دو عامل در بدی ما تأثیر داشت: نخست، دوستان ولگرد و بی بندوبار. دوم پدر و مادرمان که بسیار ناز ما را می کشیدند. اگر گاهی پدر ما ناراحت می شد، مادر، از ما حمایت می کرد. اگر مادر ما ناراحت می شد، پدر، ما را نوازش می داد! تا آن که ما، نازنازی و پُرو شدیم، درس نخواندیم و کار نکردیم، همواره با دوستان ناباب و تحت تأثیرشان بودیم، نه کاری، نه احساس مسئولیتی و نه برنامه ای. هنگام حضور در خانه فقط خواب بودیم، و دیگر اوقات و حتی شب ها را در خیابان ها پرسه می زدیم و پیرمردان، کارگران، مستمندان و آخوندها را مسخره می کردیم و... جز به ولگردی به چیز دیگر فکر نمی کردیم، گاهی از مغازه ها چیزی می خریدیم و پول آن را نمی دادیم، دسته جمعی به خانه های همدیگر می رفتیم، به خور و خواب و یاوه سرایی به سر می بردیم و...

یک روز دوستان ما به خانه ما آمده بودند. در وقت بیرون رفتن یکی از آنان قُلُک صدقه را از خانه ما دزدید که پدر و مادرم همواره طعنه می زدند و در حقّ شان دعای بد می کردند.

نتیجه ی بی بندوباری

جناب آقای احسانی! ما با همان دوستان ناباب به آن بی بندوباری ها ادامه دادیم

تا آن که در بین مردم بی اعتبار شدیم، دوست و دشمن ما را مسخره می کردند، پدر و مادرمان را به حال رقت بار رها و محل را ترک کردیم و برای همیشه بدبخت و رسوا شدیم و هنوز هم، روز روشن به آن محل نمی توانیم برویم، دنیا و آخرت ما بر باد رفت. دعا کنید دشمن جان شما مثل ما رسوا نشود. این کلمه را گفت و سرش را به دیوار کوبید! و آه کشید که همه را متأثر کرد.

پیرمرد آهی کشید و گفت: تربیت خانوادگی، تربیت مدرسه و محیط اجتماع مهم و مؤثر است، و از همه مؤثرتر دوستان و همراهان است، شخصیت هرکسی را از شخصیت دوستانش باید شناخت و نیز لقمه های حلال و حرام در ساختن انسان نقش بسیار قابل توجهی دارند.

الگوهای خودسازی

سپس آقای محمد روحانی روی تخت خود نشست؛ او خیلی آدم مؤدب و با وقار بود، گفت: من چند سالی در مدرسه درس خوانده ام و سپس به حوزه ی علمیه رفته و مشغول درس حوزوی هستم و نیز در دبیرستان تدریس می کنم، البته این مطالب را برای خودنمایی عرض نمی کنم معذرت می خواهم؛ بنده وقتی که به صحبت های شما گوش می دادم، فراز و نشیب های زیادی را در افکار خود پیمودم و با عرض معذرت می خواهم تذکر بدهم که برای موفقیت انسان چند چیز نقش اساسی دارد:

۱- تربیت درست خانوادگی.

۲- وضعیت محیط سالم.

۳- داشتن دوستان خوب و سالم.

۴- آموختن علم و دانش.

ص: ۳۵

۵- بهره برداری از عقل و منطق.

۶- از همه مهم تر اتکاء به خدا و پیروی آگاهانه از پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) و خاندان آن حضرت(علیهم السلام).

۷- داشتن ایمان، تقوا و...

من خدا را سپاس می گویم که پدر و مادرم زنده هستند و سایه آن دو فرشته رحمت الهی روی سرمان است، بنده، دو برادر و دو خواهر دارم، پدر و مادرمان که پنج فرزند را بزرگ کرده اند، تا هنوز حتی یک بار هم دور از ادب صحبت نکرده اند و با حفظ حرمت یک دیگر با فرزندان شان محترمانه رفتار می کنند، بچه ها در بین شان درگیری ندارند، مؤدبانه صحبت می کنند و به نماز و عبادات شان پای بند هستند؛ پدر و مادرمان مرتب به ما توصیه می کنند که حقوق دیگران را رعایت کنیم و با اخلاق نیک با تمام اقوام و دوستان مان برخورد کنیم و با افرادی که آنان را نیازموده ایم دوست نشویم، همه اقوام و بستگان، ما را دوست دارند، ما تمام این ها را برای خدا انجام می دهیم و می خواهیم آینده روشن داشته باشیم. و به همین دلیل پس از حق خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان(علیهم السلام)، حق والدین را که بسیار مهم است کاملاً رعایت می کنیم و از خدا می خواهیم که به ما توفیق عنایت فرماید تا فرزندان صالح باشیم و به وصایای شان خوب عمل کنیم، البته اگر خدمت والدین را خوب انجام دهیم، فرزندان ما نیز رعایت حال ما را خواهند کرد، چرا که دنیا، دنیای مکافات و مجازات است.

آقای احسانی (پیرمرد): احسنت، احسنت، هزار آفرین بر شما، شما الگوی خوبی هستید ...

ص: ۳۶

نتیجه ی رازها

آقای احسانی: از مجموع صحبت هایی که شد باید نتیجه بگیریم که خداوند به بندگانش بهترین نعمت ها را ارزانی داشته است و از رحمت بی پایان او همه بهره مندند که اگر بنده او باشیم و به دستورش عمل کنیم دنیا و آخرت مان آباد خواهند شد، لذا باید از فرصت ها خوب استفاده کنیم، چرا خودمان برای خود کاری نکنیم که در آینده و پس از مرگ، منتظر زن و فرزند باشیم، باید کارهای اصلی را خودمان انجام دهیم.

[وصیت لازم است اما او آخرین کار است که از عنایات ویژه الهی است.]

پس از مرگ مان، اگر آنان به وصیت ما عمل کردند هم به نفع ماست و هم به سود خودشان.

همسر آقای احسانی: شما دوستان با این صحبت ها حاجی را حساس تر کردید معلوم نیست که چه بلایی بر سر ما و بچه ها بیاورد. [همه خندیدند.]

آقای احسانی نگاه مرموزی به همسرش کرد و ساکت ماند. لحظه ای نگذشت که دو پسر آقای احسانی آمدند و سلام کردند، احوال پدر و همراهانش را جویا شدند، صادق به دنبال دکتر رفت، دکتر آمد آقای احسانی و پرونده اش را دید، او را مرخص کرد.

بازگشت از بیمارستان

پیرمرد با همراهان اتاق خویش خداحافظی گرمی کرد، آنان از جا برخاستند و با لب های پرتیسم او را بدرقه کردند. پیرمرد با همسر و فرزندانش به خانه برگشتند. وقتی به در منزل رسیدند سروصدای زیادی را از داخل منزل شنیدند، [باهم دعوا داشتند] پیرمرد به اتاقش آمد برخی از بچه ها به دیدنش نیامدند و برخی از پشت

پنجره ها نگاه می کردند، همسر پیرمرد بیرون رفت و برافروخته بازگشت.

پیرمرد: چه شده است؟ چرا ناراحتی؟

همسرش گفت: باهم دعوا کرده اند.

- دعوا برای چه؟

خانم با ناراحتی گفت: برای چه؟ برای چه؟ برای لحاف!... فکر می کنی برای چیست؟! زنده زنده میراث تقسیم می کنند.

پیرمرد آهی کشید و چشم به هم گذاشت، ناگهان صدای سلام معصومه (دختر کوچک) او را نوازش داد. چشمش را گشود و جواب سلام دخترش را گفت و همدیگر را به آغوش کشیدند، دید چشمان معصومه پر از اشک است!

- دخترم چه شده است؟

پدرجان: چیزی نیست. [سریع از خانه بیرون رفت.]

آخرین تصمیم عملی حاجی احمد

پیرمرد پس از صرف یک لیوان چای، اقدامات جدی کرد، در ظرف سه روز، یک پنجم پول و دارایی خود را در راه خدا صرف نمود، سپس وصیت نامه اش را تجدید کرد، امضای خانم و بچه ها را گرفت و با تمام وجود، آماده سفر آخرت شد و...

وصیت نامه همسر حاجی احمد احسانی

پس از بیرون رفتن بچه ها، همسر حاجی احمد گریه کنان گفت: کارهای خود را درست کردی اما به فکر من نیستی؟ مگر من مسلمان نیستم، مگر من یک عمر در این خانه خدمت نکرده ام؟ مگر من وصیت نامه لازم ندارم؟

حاجی احمد: ناراحت نباش من به فکر شما هستم؛ سپس وصیت نامه ای

حاجی احمد احسانی و عکس العمل ها

حاجی احمد احسانی که هنوز زنده است می گوید: پس از این اقدام جدی که کردم سر و صدای همسایه ها زیاد شد و این کار من مخالفان و موافقان زیادی داشت! برخی به عیادت من می آمدند و کار عملی وصیت نامه ام را تأیید می کردند، اما برخی دیگر مرا سرزنش می کردند!! روزی یکی از همسایه ها آمد و گفت: حاجی احمد! خیلی کار خوبی کردی. بعد از تو ورثه استفاده کنند چه فایده ای دارد به خصوص این دامادها و عروس ها که دشمن انسان هستند و گفتم: کار من خوب و موافق شریعت بود و حقّ ورثه را تلف نکرده ام، می دانم که از نظر اسلام ضرر زدن به ورثه گناه است. _ از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت شده است: «ستم و حق کشی در وصیت از گناهان کبیره است.» اما شما ورثه را دشمن می گوئید، خیر، آنان دشمن نیستند. من، فرزندان، دامادها و عروس هایم را دوست دارم، فرزندان ما پاره های جگر ما هستند، برخی دامادها و عروس ها نیز همانند فرزند به فکر دنیا و آخرت انسان هستند و نباید آنان را دشمن دانست.

سرزنی و پاسخ

روزی تعدادی از همسایه ها به عیادت من آمدند و مرا سرزنش کردند و می گفتند: حاجی احمد! چه کار کردی؟ این مقدّس مآبی ها چیست؟ شما عادت دیگران را خراب می کنید!! آخر بچه ها به وصیت شما عمل می کردند نیازی به این کارها نبود.

حاجی احمد: من کار سلیقه ای نکرده ام اگر برخی از کارها را به دست خود در حال اختیار انجام داده ام، مطابق دستور اسلام است که با مراجعه به روایات

روشن می شود.

وصی خود باشید

مردی از پیامبر اکرم (علیه السلام) تقاضای وصیت کرد، آن حضرت فرمود:

«...هَيَّءْ جِهَارَكَ وَاصْلِحْ زَادَكَ وَكُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ...»

«... باروبنه ات را آماده ساز و زاد و توشه ات را درست کن و وصی خودت باش، زیرا هیچ چیز جای (ثواب) خدا را نمی گیرد و سخن و وعده خدای سبحان تغییر ناپذیر است.» (۱)

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «يَا بَنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ...»

«ای فرزند آدم! وصی خود در مال و دارایی خویش باش و با آن، چنان (عمل) کن که ترجیح می دهی پس از تو با آن، آن گونه عمل کنند.» (۲)

با توجه به روایات و داستان هایی که مطرح شد؛ حاجی احمد احسانی سه تصمیم مهم گرفت:

۱. برخی از برنامه های دینی و اجرایی مهم خویش را شخصاً در حال اختیار به دست خود انجام داد تا چراغ راهش باشد. [وصی خود شد]

۲. وصیت نامه نسبتاً جامعی نوشت که وصیت های تعهدی،

جبرانی و مالی در آن به تفصیل و روشن در کتاب حاضر بیان شده است.

۳. برای همسرش نیز وصیت نامه نوشت. [برادر و خواهر! باید از این داستان ها عبرت گرفت.]

ص: ۴۰

۱- کنز العمال، ۴۴۱۶۴

۲- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۷۰ ص ۱۱۱

اشاره

فکر اساسی برای آخرت و زندگی پس از مرگ کار اصلی است که تمام کار و تلاش ها باید برای آن باشد، با تحلیل از جایگاه آن، اهمیت وصیت را می توان درک کرد، زیرا اجل، کسی را خبر نمی کند و از نظر اسلام مردن بدون وصیت سخت خطرناک و محروم شدن از اموال و دارایی و بی بهره ماندن از فیوضات ویژه خدای سبحان است. ندانستن وقت مرگ، زرق و برق دنیا و آرزوهای فریبنده نباید انسان را غافل کند.

اجل

ای اجل! ای واژه بلند آوازه ای که قلب ها را به تپش و ارکان وجود انسان ها را به لرزه می اندازی، ای اجل! هرگاه بیایی لحظه ای جلوتر یا عقب تر نخواهی شد، ای اجل تو که به حضرت سلیمان نبی(علیه السلام) مهلت ندادی، به دیگران چگونه مهلت خواهی داد؟ ای اجل تو به امر خدا و ناگهان می آیی پس باید ما همواره آماده باشیم ...

«...الْمَوْتُ يَأْتِي بَعَثًا...»

خدا در قرآن می فرماید:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ»

«برای هر امتی مدّت عمری است و چون اجل شان فرا رسد نه ساعتی (ثانیه و لحظه ای) تأخیر می کنند و نه پیشی می گیرند.»^(۱)

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «أَصْدَقُ شَيْءٍ لَلْأَجْلِ».

- «راست ترین چیز که خلافتی ندارد اجل و مرگ است.»^(۲)

و عن سيد الوصيين علي (عليه السلام): «أَقْرَبُ شَيْءٍ لَلْأَجْلِ».

- «نزدیک ترین چیز اجل و مرگ است.»^(۳)

آری؛ با هر نفس کشیدن انسان به مرگ نزدیک تر می شود.

عَنْ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام): «... وَ لَلْهَرَبِ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ».

- «...گریز از مرگ، رسیدن به آن است.»^(۴) (فرار از مرگ ممکن نیست ولی می شود که تلاش کرد تا خوب از این دنیا رفت).

اهل دنیا و آخرت

انسان ها چهار دسته اند:

۱- کسانی که نه دنیا دارند و نه آخرت و آنان بدبخت ترین انسان های تاریخ هستند. قرآن کریم می فرماید:

ص: ۴۲

۱- قرآن کریم، الأعراف، ۳۴

۲- غررالحکم، ۲۸۴۵

۳- غررالحکم، ۲۹۲۰

۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹ ص ۱۱۶

«حَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۱)

در دنیا و آخرت ضرر و زیان کرده است و این همان خسران و زیان آشکار است «پناه می بریم به خدا»

۲- کسانی که دنیا دارند (ریاست، قدرت، امکانات، موقعیت، لذت، خوش گذرانی و...) اما از آخرت بی بهره اند.

«...وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (۲)

و کسی که تنها منفعت و ثمره دنیا را بخواهد کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارند. «پناه می بریم به ذات حق»

۳- کسانی که به دنیا دل نبسته اند و باایمان و حفظ شخصیت، زندگی کرده اند و برای آخرت شان برترین کارها را انجام داده اند، آنان سعادت مندند. خداوند در قرآن می فرماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (۳)

- «کسی که منفعت آخرت را بخواهد به ثمر و منفعت او افزایش می دهیم».

۴- کسانی که هم دنیای سالم و خوب دارند و هم آخرت نورانی، چون سرسپرده دنیا و اسیر لذت های آن نشده اند، دوستی و عشق دنیا را در دل ندارند، اما از نعمت های حلال و پاکیزه آن به طور معقول و مشروع استفاده می کنند، درباره این دسته خدا در قرآن می فرماید:

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

حَسَنَةً وَفِيْنَا عَذَابٌ

ص: ۴۳

۱- قرآن کریم، حج، ۱۱

۲- قرآن کریم، شوری، ۲۰

۳- قرآن کریم، شوری، ۲۰

﴿ثُمَّ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (۱)

- «و از ایشان کسانی هستند که می گویند: «پروردگارا! در دنیا برای ما خوبی و نیکی عطا فرما و در آخرت برای ما خوبی و حسنه عنایت فرما و ما را از عذاب آتش حفظ فرما!» آن ها از کار (و دعای) خود نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند سریع الحساب است.»

این آیه ی مبارکه خود یکی از عالی ترین دعاهاست اما دعا باید برخاسته از عقیده، ایمان و نیت پاک باشد و نباید رفتار، کردار و گفتار ما مخالف با دعا باشد، دعا جایگاه ویژه ای دارد و بحثی جداگانه می خواهد.

خوبی هر دو جهان در بیان معصوم (علیه السلام)

عن رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم): «﴿عَمَلٌ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَ ﴿عَمَلٌ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ عَدَا﴾» (۲)

- «برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همواره در آن می مانی و برای آخرت خود چنان کار کن (عبادت کن) که گویا فردا می میری.»

عَنْ وَلِيِّ اللَّهِ عَلِيِّ (عليه السلام): «كُنْ فِي الدُّنْيَا بِدِينِكَ وَ فِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَ عَمَلِكَ» (۳)

- «با پیکر خود در دنیا باش و با دل و عمل خود در آخرت»

[دل به دنیا مند، دل را آن جا بفرست] باید برای آخرت خود بیشتر و بهتر کار کرد و به آن اهمّیت داد.

ص: ۴۴

۱- قرآن کریم، بقره، ۲۰۱ و ۲۰۲

۲- تنبيه الخواطر، ج ۲ ص ۲۳۴

۳- غررالحکم، ۷۱۶۴

عَنْهُ (عليه السلام): «لَدُنْيَا أَمَدٌ وَ لِآخِرَتِهِ أُبُدٌ» (۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «دنیا تمام شدنی و آخرت همیشگی است.»

عَنْهُ (عليه السلام): «جَعَلَ هَمَّكَ لِمَعَادِكَ تَصْلِحُ»

امام علی (علیه السلام): «کوشش و همت خود را مصروف آخرت گردان، اصلاح می شوی» (۲)

آرزوهای ناسالم

ای گل های رنگارنگ آرزوها! چه زیبا و خوش نما هستید، و دل و دیده، جسم و جان، روح و روان و تمام دار و ندار مرا

به خود جلب و در برابر چشمانم صف کشیده اید، خانه، قصر، باغ، زندگی، لذت ها، پول، امکانات، ریاست، شهرت طلبی، زرق و برق دنیا، زن و فرزند و... و صدها آرزوی دنیایی دیگر! مرا دربر گرفته و فریفته اید! می خواهید مرا اسیر کنید؟ (به خدا پناه می برم و از او یاری می طلبم.)

آه چرا اسیر آرزوها شده ام؟ جواب: چون خدا، آخرت، قبر، قیامت، حساب و کتاب، بهشت و جهنم، پُل صراط و عالم پس از مرگ را فراموش کرده ام.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «الْأَمَلُ يُنْسِي لَاجِلَ» (۳)

- «آرزو اجل را از یاد انسان می برد.»

عَنْهُ (عليه السلام): «الْأَمَلُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ وَ يُغْنِي لَاجِلَ» (۴)

امام علی (علیه السلام): «آرزو، کار را تباه و عمر را ضایع می سازد.»

ص: ۴۵

۱- همان، ۲۰۵۰

۲- غررالحکم، ۲۴۱۱

۳- غررالحکم، ۸۷۴

۴- همان، ۱۳۵۸

عَنْهُ (عليه السلام): «الْأَمَلُ جِجَابُ الْأَجَلِ» (١)

امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام): «آرزو پوشاننده ی أجل (مرگ) است.»

عَنْهُ (عليه السلام): «الْأَمَانِيُّ تُعْمَى عُيُونَ الْبَصَائِرِ» (٢)

- «آرزوها چشمان بصیرت را کور می کند.»

آرزوهای ناسالم انسان را از خدا، آخرت، کمال لایق انسانی، طرح و برنامه دقیق و عالمانه و از راه سعادت غافل می سازد.

آرزوهای سالم

نباید احساس کرد که تمام آرزوها نارواست بلکه آرزو و امید عاقلانه و خداپسندانه، اساس پایدار زندگی است. آرزو همانند هر چیز دیگر سالم و ناسالم، خوب و بد دارد؛ پس

باید تغییر جهت داد، و آرزوهای سالم و ارزشی را جایگزین آرزوهای ناسالم کرد، مثل آرزوی عشق به خدا و خداپرستی، آرزوی بهشت، سعادت، معنویت، تقوا، سرنوشت عالی، گسترش عدالت در کشور و جهان و ...

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لَأُمَّتِي...» (٣)

- پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «آرزو برای امت من رحمت است. و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی بر نمی نشاند.»

عَنِ الْإِمَامِ الشَّجَادِ (عليه السلام): «...أَسْأَلُكَ ... مِنَ الْإِيمَانِ أَوْفَقَهَا» (٤)

- «از تو مناسب ترین و موفق ترین آرزوها را خواهانم.»

ص: ۴۶

۱- همان، ۹۹۷

۲- همان، ۱۳۷۵

۳- بحارالانوار، ج ۱۷ ص ۱۷۳ ح ۸

۴- همان، ج ۹۴ ص ۱۵۵ ح ۲۲

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنِسٌ» (١)

- «آرزوی مشروع و معقول رفیق و یار همدم است.»

اما رسیدن به آن اهداف عالی و برخی آرزوهای ارزنده جز در پرتو ایمان به خدا و کارهای شایسته، میسر نیست. برترین آرزو، آرزوی سعادت دنیا و آخرت است. با آن هم آخرت اصل است.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِجْعَلْ لِآخِرَتِكَ مِنْ دُنْيَاكَ نَصِيبًا» (٢)

- «از دنیای خود برای آخرت بهره ای بردار.»

امیرمؤمنان (علیه السلام): «هر که تمام کوشش خود را مصروف آخرتش کند به این آرزو (آخرت) برسد.» (٣)

وصیت سالم و شرع پسند از شایسته ترین آرزوهاست که در فرهنگ اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبران الهی، اولیای خداوند، ائمه ی معصومین: ... وصیت نامه های مهم و پربراری داشته اند که خود دستورالعمل و سیره و سنت حسنه و الگوآفرین است.

اهمیت وصیت

اسلام، دینی است کامل و جامع، که در تمام ابعاد زندگی و زندگانی انسان مقدرات سعادت گستر دارد که بدون شك وصیت کردن از مهم ترین برنامه های آن و حق مسلم هر مسلمانی است.

ص: ۴۷

۱- غررالحکم، ۱۰۴۲

۲- همان، ۶۹۴

۳- غررالحکم، ۸۵۱۲

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (١)

- وصیت کردن وظیفه و حق هر مسلمانی است.

عَنْهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «الْمَحْرُومُ مِنَ حُرْمِ الْوَصِيَّةِ» (٢)

رسول اعظم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «محروم [از رحمت خدا] کسی است که از وصیت کردن محروم شود.»

آدمی که بی وصیت از دنیا برود از تمام مال و دارایی خود

محروم و حتی از رحمت خدای رحمان محروم و بی بهره خواهد بود.

تأخیر وصیت

پیامبر خاتم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیت نامه اش زیر سرش باشد.» [چه بسا که همان شب مرگ به سراغش بیاید.]

وصیت یا خانه سازی آخرت

وصیت برای سامان دادن زندگی پس از مرگ است. وصیت یعنی خانه سازی آخرت و سروسامان دادن به قبر و قیامت.

عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ (عليه السلام): «مَنْ عَمَّرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ لِلْعَاقِلِ» (٣)

- امیرمؤمنان (عليه السلام): «کسی که خانه ی ماندگاری [آخرت] خود را آباد سازد عاقل و خردمند است.»

ص: ۴۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۳۱ ص ۲۵۳ ح ۶

۲- کنز العمال، ۴۶۰۵۱

۳- غررالحکم، ۸۲۹۸

عَنْهُ (عليه السلام): «... مَنْ عَمَرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ» (۱)

- مولای پرهیزگاران امام علی (علیه السلام): «... و هر که آخرت خود را آباد سازد به آرزوهای خود برسد.»

عَنْهُ (عليه السلام): «غَايَةُ الْاِخْرَةِ الْبَقَاءُ» (۲)

- امیرمؤمنان (علیه السلام): «پایان آخرت، هستی و بقاست»

مرگ بدون وصیت

متأسفانه برخی بدون وصیت از دنیا می روند، که آنان یا جاهل اند، یا غافل و یا بی پروا.

عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۳)

- پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم): «کسی که بدون وصیت از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیت است.»

کسی که بدون وصیت از دنیا برود از اموال و دارایی خود محروم می شود (جز کفن و تجهیز و...).

کسی که بدون وصیت بمیرد اگر ورثه ی صغیر داشته باشد، برای بازماندگانش و سایر مؤمنان که در ارتباط هستند، مشکلات زیادی دارد. [تصرف در میراث اگر وارث صغیر داشته باشد، حرام است.]

وصیت یک سوم دارایی

انسان می تواند به اندازه ی معینی وصیت کند مثلاً چند میلیون، و تا یک سوم

ص: ۴۹

۱- همان، ۷۴۳۸

۲- همان، ۶۳۵۳

۳- وسائل الشیعه، ب ۱/ج ۶

مالش را مجاز است، اما بیشتر از یک سوم را اگر وصیت کند در صورتی درست است که ورثه اجازه دهند.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است:

«خدای متعال یک سوم اموال شما را در هنگام وفات تان به شما صدقه داده است تا بدین وسیله به اعمال شما بیفزاید.»^(۱)

ضرر زدن به ورثه

از نظر مراجع عظام تقلید، ضرر زدن به ورثه حرام و از گناهان کبیره و بزرگ است، و آن وصیت هم نافذ نیست و همچنین است محروم کردن وارثین یا برخی از آنان از میراث.

عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِلَّا ضَرَّأُ فِي لَوْصِيَّتِهِ مِنْ لِكْبَائِرٍ.»^(۲)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «ضرر زدن (به وارث) در وصیت از گناهان کبیره است.»

عَنْ لَيْثِ بْنِ غَالِبٍ (إِلَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَا أَبَالِي أُضَرَّرْتُ يُؤَلَدِي، أَوْ سَرَقْتُهُمْ ذَلِكَ لِمَالٍ.»^(۳)

امام علی (علیه السلام): «از نظر من تفاوتی ندارد که (در وصیت) فرزندانم را متضرر کنم یا آن مال را از آنان بدزدم.»

دزدان میراث، دزدهایی خانگی

گاهی وصیت نامه، دزدی یا دست کاری می شود، و یا وصیت وجود ندارد،

ص: ۵۰

۱- کنز العمال، ۴۶۰۶۴

۲- همان، ۴۶۰۶۹

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۳ ص ۳۵۶ ح ۱

برخی از وارثان خدانشناس دارایی میت را بالا می کشند [آنان دزدهای خانگی هستند].

اطاعت از هوای نفس سخت خطرناک است، عده ای حقّ بعضی از وراثت را به زور یا صحنه سازی، یا حيله می خورند. گاهی اموال میت را تنها پسران میت غارت می کنند. دختران، والدین و همسر میت را محروم می کنند و باید بدانند که دست انتقام خدا در دنیا و آخرت آنان را مجازات خواهد کرد.

رابطه وصیت و خودکشی

خودکشی، گناهی بزرگ و حرام است، کسی که خودکشی کند بی ایمان از دنیا می رود و به عذاب خدای سبحان گرفتار می شود، مراجع فرموده اند: کسی که عمداً و به قصد خودکشی زخمی به خود بزند یا سمی بخورد که به واسطه آن یقین یا گمان به مردن آن پیدا می شود، اگر وصیت کند که مقداری از مال او را به مصرفی برسانند، صحیح نیست. (۱). [حتی وصیت او در امور مالیش باطل است].

ص: ۵۱

تعریف وصیت

وصیت در لغت عبارت است از مطلق سفارش و دستور قابل اجرا، و در اصطلاح خاص فقهی، وصیت آن است که انسان سفارش کند که بعد از مرگش چگونه باشند و در امور دین، مذهبی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، و... چگونه عمل کنند و نیز برای او چه کارهایی انجام دهند یا مال او را در موارد معینی چگونه مصرف کنند.

شرایط شرعی وصیت کننده و وصی و...

وصیت کننده باید عاقل، بالغ، مختار و....

وصی، ناظر و قیم، باید مسلمان، مختار، عاقل، بالغ، و مورد اطمینان باشند.

اقسام وصیت

وصیت سه قسم است:

۱. وصیت تعهدی: مثل وصیت به امور اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی،

۲. وصیت جبرانی: که برای جبران مافات توصیه می شود: مثل قضای نماز، روزه، وجوهات، حج و...

۳. وصیت مالی: مصرف کردن پول و دارایی برای حقوق واجبه، (مثل ديه، كفاره، قرض ها و دين ها، مظالم العباد و...) و برای امور مستحبی و صدقات جاریه همانند وقف، امور خیریه، کمک به مستمندان، ساختن مسجد، حسینیه، مدرسه، کتابخانه، زائرسرا، یتیم خانه، بیمارستان و...

زمان وصیت

وصیت در هر زمانی (در امور واجب) واجب است، اما وقتی که انسان نشانه های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت های مردم را به صاحبانش برگرداند، بدهکاری هایش را اعم از شخصی، خمس، سهم، زکات، نذر و... بپردازد [این است مفهوم آن روایت که وصی خود باشید یعنی خودتان برخی از کارهای خود را قبل از فرا رسیدن زمان مرگ انجام دهید] و درباره بقیه وصیت کند و در وصیت خود شاهد بگیرد و اگر نماز و روزه ی قضا دارد، یا از وجوهات و یا از مردم بدهکار است و یا حج، كفاره و یا ديه بر او واجب شده باشد باید وصیت کند [این وصیت ها واجب است و در امور مستحبی، مستحب است].

محتوای وصیت کامل

شایسته است که در وصیت نامه مسایل اعتقادی، اخلاقی، مالی، حقوقی، سیاسی، داد و ستد، قضای واجبات، صدقات جاریه و... مطرح شود، آن گونه که در وصیت نامه های پیشوایان دین مان آمده است.

یکی از الگوهای وصیت از زبان وحی

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد: چگونه باید وصیت نمود؟ آن حضرت فرمود: بگوید:

«اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أُنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ الْحَقُّ الْمُبِينُ. جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صِلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ يَا عِدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَثِيْقِي فِي نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكِلْنِي إِلَيَّ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ فَإِنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَيَّ نَفْسِي كُنْتُ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعَدَ مِنَ الْخَيْرِ وَأَنْسَ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكَ مَنْشُورًا.»

در این وصیت نامه فزایندهای مهمی از مسائل اعتقادی و دعا و نیایش آمده است.

برخی از وظایف وصیت کننده

وصیت کننده باید اموال منقول و غیر منقول، بدهکاری و طلبکاری و مشخصات وارث خود را بنویسد. باید دقیق و روشن وصیت کند، ورثه را محروم نکند و تبعیض قایل نشود. و دو نفر شاهد شرعی امضاء و اثر انگشت نمایند و نیز امضاء وصی، ناظر، قیّم و شاهد ها را در وصیت نامه بگیرد.

ادامه وصیت نامه آقای احسانی و همسرش

فرزندان عزیز! ما (پدر و مادرتان) که شما را تربیت کردیم، از جان خود بیشتر دوست تان داریم، اینک عمر ما به پایان رسیده است از کنار شما به سوی خدا و سفر ابدی می رویم، و شما را به خدا می سپاریم؛ اما عزیزان! شما را وصیت می کنیم به فشرده آن چه که خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه (علیهم السلام) فرموده اند. تا شاید برای ما و نیز برای شما سودمند باشد.

راه حق در وصیت خدا به انسان

برخی توصیه ها و سفارش های مهم خدای سبحان به بشر را در این بخش آوردم تا شاید برای حق پویان سودمند باشد:

«...وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَلَتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصُّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (۱)

(= این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه های (شیطان و باطل) که شما را از راه او (خدا) پراکنده می کند، پیروی نکنید این است که خدا شما را به آن سفارش و وصیت کرده است، باشد که باتقوا و پرهیزگار شوید.)

عزیزان! از راه خدا و راه حق منحرف نشوید، خداشناس و خداپرست باشید. ! پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «نخستین دانش، خداشناسی است.»

وجوب دوستی خدا

عزیزانم! خدا را دوست داشته باشید، و بدانید که دوست داشتن خداوند واجب است.

ص: ۵۶

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «أَجْبُوا لِلَّهِ مِنْ كُلِّ قَلْبِكُمْ» (۱)

- «خدا را با تمام دل و جان دوست داشته باشید»

البته دوستی خدا فرع شناخت و ایمان به اوست و هرچه ایمان و معرفت قوی تر باشد، دوستی خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، امامان و اهل بیت (علیهم السلام) قوی تر خواهد بود.

«... وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (۲)

«... آنهایی که ایمان راسخ دارند محبت و عشق شان به خدا جدی تر و شدیدتر است...» خدای مهربان بندگان خود را دوست دارد.

وجوب دوستی پیامبر و آل (علیهم السلام)

ارجمندانم! پس از دوستی خدا، دوستی پیامبر و آل طاهرینش: واجب و جزء دین و ایمان ما است که به عنوان مزد رسالت در قرآن مطرح شده است؛ لذا باید آنان را دوست داشته و از جان و فرزندان خود، آنان را عزیزتر بدانید. پس از مرگ، مال، قدرت، نژاد، زن و فرزند و... باعث نجات نخواهند بود. تنها ایمان، تقوی، عمل صالح، و دوستی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندانش، نجات بخش خواهد بود.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم): «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أكونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ وَ عَتْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عَتْرَتِهِ وَ دُرَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ دُرَّتِيهِ» (۳)

- «هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر آن که مرا از خودش بیشتر دوست

ص: ۵۷

۱- کنز العمال، ۴۴۱۴۷

۲- قرآن کریم، البقره: ۱۶۵

۳- کنز العمال، ۹۳۰۷۰

داشته باشد، و خانواده ی مرا از خانواده اش و خاندان مرا از خاندانش و نسل و ذریه ی مرا از نسل و ذریه ی خود بیشتر دوست داشته باشد.»

این روایت در کتاب های معتبر فریقین آمده است.

لذا به شما وصیت می کنم که پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان: خود را بشناسید و به آنان ایمان داشته باشید، ذره ای کینه ی آن ها و نسل شان (امام زاده ها و سادات عظام) را در دل راه ندهید که سخت خطرناک است.

عَنِ الرَّسُولِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ: «مَنْ لَمْ يُحِبَّ عِتْرَتِي فَهُوَ لِإِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا مُنَافِقٌ وَ إِمَّا لَزِيئَةٌ وَ إِمَّا لَمْرُؤٍ حَمَلَتْ بِهِ أُمَّهُ فِي غَيْرِ طَهْرٍ» (۱)

- رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم): «هر که خاندان مرا دوست ندارد، یا منافق است، یا زنازاده، و یا نطفه ی حیض!» (نعوذ بالله)

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةٍ» (۲)

- «هر که بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

ادامه ی وصیت نامه ی حاجی احمد

حاجی احمد احسانی با استفاده از فرصت، مسایل مهمی را در وصیت نامه اش آورده است که می خوانید:

لزوم تقوی پیشگی

عزیزان! به عقاید حقه که راه پیامبر و ائمه: است پایدار باشید و در احکام دین از مجتهد جامع الشرائط و اعلم تقلید کنید و تقوا پیشه کنید که بالاترین امتیاز در پیشگاه خدا، تقوا و پرهیزگاری است.

ص: ۵۸

۱- الخصال، ۱۱۰/۸۲ و میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۴، ح ۳۲۰۵

۲- بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۷۶، ح ۱

خدای متعال می فرماید:

«... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ.»

- «گرامی ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.»

و نیز می فرماید:

«... إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.»^(۱)

- «خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می کند.»

أمیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«شما را به تقوای الهی و نظم در کارهای تان سفارش می کنم.»^(۲)

ضرورت اهتمام به نماز

عزیزانم! به نماز و سایر عبادات تان اهمّیت دهید و نماز شما در هیچ شرایطی ترک نشود که سراپرده ی دین شما خراب خواهد شد؛ نماز را سبک ندانید و کم اهمّیت جلوه ندهید.

عَنِ إِمَامِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ.»^(۳)

- امام صادق (علیه السلام) در حین ارتحالش فرمود: «شفاعت ما [خانواده] به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد.»

- از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است:

«هر مرد و زنی که نمازش را سبک بشمارد خدای سبحان او را به پانزده خصلت [بلا] گرفتار می کند.»^(۴)

ص: ۵۹

۱- قرآن کریم، مائده، ۲۷

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۷

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵ ح ۲۹۲۳.

۴- الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹ ح ۷

بنابراین، نمازهای تان را در اول وقت و با شرایط شرعی و در صورت امکان در مسجد و جماعت بخوانید و بعد از نماز به تعقیب نماز به خصوص تسبیح حضرت زهرا(علیهاالسلام) و دعا و صلوات بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) پردازید. و فرزندان را نیز از هفت سالگی به نماز وادار کنید زیرا عبادت های تمرینی برای کودکان و نوجوانان بسیار مفید است.

ضرورت اهتمام به روزه

عزیزانم! شما و خانواده های تان را وصیت می کنم به روزه ماه مبارک رمضان.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِّنَ النَّارِ» (۱)

- «روزه سپری است از آتش جهنم.»

حضرت زهرا(علیهاالسلام) فرموده است:

«خدا روزه را واجب کرده است، برای استواری اخلاص.»

عَنِ إِمَامِ ﷻ (عَلَيْهِ السَّلَام): «أَفْضَلُ ﷻ لِلْجِهَادِ ﷻ ﷻ فِي الْحَرْبِ.»

- «روزه در هوای گرم، بهترین جهاد است.»

بدانید که اگر کسی بدون عذر شرعی یک روز روزه ی خود را نگیرد کارِ حرامی کرده و مُلَزَم به گرفتن ۶۱ روز، روزه ی قضا و کفاره می شود.

لزوم توجه به وجوهات و...

فرزندانم! در پرداخت وجوهات شرعیه (زکات، خمس و...) مسامحه نکنید. [دزد بیت المال نباشید]

ص: ۶۰

عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عليه السلام): «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ» (۱).

- امام صادق (عليه السلام): «نماز نیست برای کسی که زکات ندهد و زکات نیست برای کسی که پرهیزگاری ندارد.» [یعنی پذیرفته نخواهد شد]

در روایت آمده است: «ترک کننده ی حج و زکات به دین اسلام از دنیا نمی رود، بلکه به دین یهود و یا به دین نصاری از دنیا خواهد رفت.» به حساب سال خود دقیق و جدی باشید که حساب قیامت سخت و دشوار است، و هرگاه حج بر شما واجب شد بدون تأخیر انجام دهید و اگر زمینه ی جهاد فراهم شد در راه دین خدا و ترویج اسلام و قرآن به جهاد پردازید و همچنان امر به معروف و نهی از منکر را برای رضای خدای سبحان انجام دهید.

داشتن تَوَلَّى و تَبَرَّى

عزیزانم! تَوَلَّى و تَبَرَّى محور اساسی ایمان و تقوا است که انتظار داریم از عمق جان به آن پایبند باشید؛ زیرا اسلام و ولایت بدون تَوَلَّى و تَبَرَّى، معنا ندارد.

اهتمام به حقوق مردم

رعایت حقوق مردم بسیار مهم است.

امام صادق (عليه السلام) می فرماید: «خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است.» (۲). مبدا حق مردم و مال مردم را ضایع و یا استفاده ی نامشروع کنید که سخت خطرناک است و عذاب دنیایی و آخرتی دارد، حتی کسی که در راه خدا شهید می شود با اولین قطره ی خون او گناهانش آمرزیده

ص: ۶۱

۱- مشکاه الانوار، ص ۴۶

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۷۰ ح ۴

می گردد، جز حقّ مردم. در صدر حقوق مردم، حقوق والدین است.

لزوم رعایت حقوق والدین

ارجمندانم! کاری نکنید که ما ناراض شویم زیرا کسی که عاق والدین باشد، از بوی بهشت هم محروم می شود، اگر عبادت جن و انس را هم داشته باشد جایش در جهنم است. (پناه می بریم به خداوند بزرگ)

و بدانید که استادان و والدین همسر، همانند والدین حق دارند، و از همه مهم تر والدین معنوی و روحانی مسلمانان، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) و خاندان شان می باشند، آنان ناراضی نشوند و رضایت شان در اطاعت خدا (جلّ جلاله) و

پیامبر و امامان: است.

عزیزان! پس از آنکه من از دنیا رفتم مرا فراموش نکنید که من تنها از شما انتظار دارم. و این حقّی است که بر شما دارم؛

عَنِ الْإِمَامِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام): «... بِرُّ لَوْلَا الدِّينِ وَاجِبٌ...» (۱)

«نیکی کردن به پدر و مادر واجب است...» [چه در حال حیات و چه پس از ارتحال شان]

توجه به تربیت فرزندان

عزیزان! فرزندان خود را خوب تربیت کنید که آنان امانت های خدایند، فرزندان صالح برترین سرمایه و تداوم بخش زندگی انسان اند، و نیز حقوق فراوانی بر والدین دارند، آنان را بنده ی خدا، مطیع پیامبر و ائمه، آگاه به فرهنگ دینی و مؤدب بار بیاورید. زنان و دختران را باید با حجاب و الگوی عفت و حیا تربیت کنید. فرزندان را از علم و دانش و شرایط زمان آگاه سازید،

ص: ۶۲

با انتخاب نام خوب به آن‌ها شخصیت داده از کودکی، محبت خدا (جل جلاله)، پیامبر و اهل بیت (علیهم السّلام) و بهترین آداب اسلامی را به آنان بیاموزید.

عَنِ الرَّسُولِ ﷺ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَكُمْ» (۱)

- پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم): «فرزندان تان را احترام کنید و آن‌ها را نیکو و خوب تربیت کنید.»

عزیزانم! به شما جداً اعلام خطر می‌کنم که بیشترین بدبختی‌ها در جامعه از بی‌حجابی و بی‌عفتی است؛ رعایت حجاب اسلامی واجب است. حجاب سپری است برای حفظ عظمت، حیثیت، ارزش دینی، ارزش خانوادگی و شخصیت زن.

ضرورت حفظ حجاب

به شما دختران، عروس‌ها و سایر بانوان بستگانم وصیت می‌کنم که حجاب خود را حفظ کنید، حجاب اسلامی جلوه‌ای از رحمت خداوند و میراث گران‌بهای فاطمه زهرا (علیها السّلام) است؛ خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به زنان مسلمان دستور داده است، که گوهر گران‌بهای وجودشان را از نامحرم بپوشانند (چه خودی مثل شوهرخواهر، برادرشوهر، پسرعمو، پسر دایی و...، و چه بیگانه) و از پوشیدن لباس‌های نازک و لباس‌های اندامی و بدن‌نما و لباس‌های مخصوص کفار اجتناب کنید.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «در شب معراج زنانی را دیدم که با موهای شان آویزان بودند، از جبرئیل (علیه السّلام) سؤال کردم این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: این‌ها کسانی اند که موهای شان را در معرض دید نامحرم قرار

ص: ۶۳

پرهیز از نظر کردن به نامحرم

عزیزانم! به شما توصیه می‌کنم که نظرهای پاک تان را با نگاه کردن به نامحرم آلوده و مسموم نکنید؛ نظر کردن به نامحرم، تیر زهر آگین شیطان است و بسیاری از فسادهای اخلاقی ریشه در نگاه کردن های مسموم دارد. عزیزانم! همسرِ برادر، خواهرِ همسر، همسرِ عمو، همسرِ دایی و... نامحرم هستند. به هیچ عنوان به آنان نگاه نکنید که سخت خطرناک است، نگاه کردن شهوانی به زنان غیر مسلمان و عکس نامحرم و به هر چیز حتی مجسمه حرام و گناه است و نظر کردن به عکس زن های نامحرم اگر بشناسید بدون شهوت نیز حرام و گناه است. (۱)

نگاه کردن شبکه های ماهواره ای و فیلم

ارجمندانم! از نگاه کردن به برنامه های گمراه کننده، مظاهر فساد در تلویزیون، شبکه های ماهواره ای و فیلم های نامشروع، فساد انگیز، و استکباری جداً پرهیزید! فرزندان، خانواده و بستگان تان را نیز از این آلودگی های خطرناک برحذر دارید. امروزه ماهواره ها، اینترنت و شبکه های تلویزیون های بیگانه، کمین گاه خطرناک و قوی ترین تهاجم فرهنگی است، که خودداری از آن ها ضروری و واجب است. [از تکنولوژی و امکانات موجود و برنامه های سالم آن می توان به طور مشروع و معقول استفاده کرد و به نفع دنیا و آخرت از آن بهره ورشد.]

ص: ۶۴

ضرورت پرهیز از اختلاف

عزیزانم! هشدار می‌دهم که هرگز اختلاف نکنید زیرا اختلاف مایهٔ بدبختی و نابودی است، صله‌ی رحم را فراموش نکنید که مایه‌ی خوشبختی شما و برترین اساس اتحاد است و بدانید که قطع رحم موجب بدبختی در هر دو عالم خواهد بود، قدر هم دیگر را بدانید، به بزرگان احترام و به کودکان ترحم کنید، حقوق متقابل را رعایت کنید.

عزیزان قدر یک دیگر بدانید

اجل سنگ است و آدم مثل شیشه

هرگونه نفاق و اختلاف را هر چه زودتر حل و فصل کنید، و برای اصلاح جامعه بکوشید. از خشم و غضب جدا پرهیزید و در حال غضب تصمیم نگیرید، دوستی و دشمنی شما باید روی معیارهای دینی و برای خدا باشد، آن چه را که برای خود می‌خواهید برای دیگران بخواهید و آن چه که ناپسند شماست برای دیگران نخواهید.

پرهیز از بدگمانی

فرزندان عزیزم! اگر مشکلی پیش آمد، به خدا و دین و مؤمنان سوءظن و بدگمانی نداشته باشید، بدگمانی به خدا، گناه بزرگ و در حد کفر است، بدگمانی به پیشوایان دین گمراهی است، بدگمانی به مردم مؤمن معصیت است، و نیز سبب نفاق، درگیری، و موجب بر باد رفتن دین و ایمان است.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ الظَّنِّ» (۱)

- «با بدگمانی ایمانی نخواهد بود.»

ص: ۶۵

پرهیز از غیبت

ارجمندانم! وصیت می‌کنم، غیبت نکنید که گناهی است بس بزرگ، اگر می‌خواهید خود شما آبرو داشته باشید، آبروی مؤمنین را حفظ کنید، قرآن به صراحت اعلام فرموده است کسی که غیبت می‌کند مثل آن است که گوشت برادر مُرده خود را بخورد، غیبت‌های حضوری، تلفنی، تلگرافی، کامپیوتری، با نامه و با اشاره و... همه حرام و گناه و معصیت است، آخرت خود را با غیبت و گناه بر باد ندهید.

پرهیز از تهمت

فرزندانم! از تهمت زدن به مؤمنین که گناهی است بسیار بزرگ، شما را برحذر می‌دارم. کسی را مَتَّهَم نکنید و نیز خود شما در جاهای مشکوک و با افراد مشکوک و دوستان بدنام نباشید که مَتَّهَم خواهید شد. (نه به کسی تهمت بزنید و نه کاری کنید که خود مَتَّهَم شوید)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «از جاهایی که مورد اتهام است پرهیزید»

دوری گزیدن از ریاکاری

فرزندانم! در هیچ عمل خیر و اعمال عبادی، ریا و خودنمایی نکنید که ریا شرک خفی است و ریا عبادت را باطل می‌کند؛ جای ریاکار در جهنم است! جداً به شما توصیه می‌کنم که: برای من مجالس ختم قرآن و فاتحه ریایی نگیرید. هرگاه تشییع جنازه کردید، اگر نماز خواندید، حرم مشرف شدید، فاتحه دایر کردید، نذر کردید و... فقط برای خدا باشد، از رقابت‌های ناسالم پرهیزید. من منتظر اعمال خدایی و شایسته شما هستم.

مراسم سوم، هفتم و چهلم و نذر و صدقه‌های ریایی آتش سوزان

خواهد بود! کم عمل کنید اما خالصانه و فقط برای رضای خدا.

توصیه به صبر و شکیبایی

ارجمندانم! در برابر مصیبت ها صبر کنید و دل های داغدار خود را به یاد خدا آرامش بدهید.

« أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » (۱)

«تنها یاد خدا دلها را آرامش می دهد.»

به یاد گذشتگان

عزیزان! خدا و مرگ را از یاد نبرید و برای آخرت خود، خوب کار کنید و نیز مرده ها را فراموش نکنید که خیلی محتاج اند، تا زنده های دیگر به یاد شما باشند، آن چه را که برای رضای خدا هدیه به اموات می فرستید فرشته های خدای مهربان آن را با طَبَق های نور به مرده های مؤمن می رسانند، انتظار دارم که مرا فراموش نکنید.

ص: ۶۷

اشاره

در این فصل به طور خلاصه برخی آداب محتضر و آداب میت بیان می شود.

الف - برخی از آداب محتضر

اشاره

فشرده آداب محتضر عبارتند از:

واجب است که صورت محتضر مؤمن، اعم از زن، مرد و کودک را به طرف قبله کنند (با پشت بخوابانند و کف پاهایش به طرف قبله باشد).

«نکته مهم»

متأسفانه در برخی از بیمارستان ها تخت محتضر رو به قبله نیست و این واجب کفائی به عهده کسانی است که در آن جا مسئولیت دارند و مسلماً در پیشگاه خدای سبحان جواب گوی می باشند و نیز هرگاه دکتر احساس کرد که بیمار در حال احتضار است نباید او را اذیت کند. (مثل نفس مصنوعی، شوک دادن و فشار دادن قفسه سینه، آمپول زدن و...)

ص: ۶۹

اگر در هر بیمارستان اتاق مخصوصی را در نظر بگیرند که محضر را سریعاً به آن منتقل کنند و یکی از بستگانش مجاز باشد تا بالای سر محضر، حاضر و به انجام وظایف شرعی بپردازد و قرآن بخواند، مشروع و مناسب خواهد بود، و یا در صورت امکان مریض را مرتخص کنند تا مسئولیت مسؤلیت شرعی نداشته باشند.

مستحب است که بعد از غسل دادن، میت را به حالتی که به او نماز می خوانند، بخوابانند (با پشت بخوابانند که پهلوی راست میت به طرف قبله باشد).

مستحب است که روی سینه و شکم محضر چیزی نباشد و دکمه های او را باز بگذارند.

مستحب است که در حال احتضار با صدای بلند سوره های مبارکه ی «یس، صافات و احزاب» و همچنان «آیهاالکرسی» و آیه ی ۵۴ سوره ی اعراف و سه آیه ی آخر سوره ی بقره را در کنار او بخوانند. (۱)

مستحب است که شهادتین و اقرار به ۱۲ امام و سایر عقاید حقه را طوری به محضر تلقین کنند که بفهمد و تا وقت مرگ هم تکرار کنند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم): «مردگان تان را کلمه ی (لا إله إلا الله) تلقین کنید...» (۲)

مستحب است که جز صدای قرائت قرآن، دعا، ذکر و صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و آلش: سر و صدای دیگری در نزد محضر نباشد.

کسی را که سخت جان می دهد، مستحب است که به جای نماز خواندنش منتقل کنند.

تنها گذاشتن محضر، بودن جنب و حیض نزد او، زیاد حرف زدن، گریه کردن و تنها گذاشتن زن در نزد میت مکروه است.

ص: ۷۰

۱- نقل به معنای الفروع، ج ۱ ص ۳۵.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۲.

مستحب است که این دعا را طوری برای محتضر تلقین کنند که بفهمد:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْقَبِيلَ الْبَيْتِيَّ وَ يَعْضُو عَنِ الْكَثِيرِ إِقْبِلْ مِنِّي الْقَبِيلَ الْبَيْتِيَّ وَ اعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوفُ الْغَفُورُ اللَّهُمَّ اِرْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ» (۱)

ترجمه: «خدایا! از نافرمانی های زیادی که کرده ام مرا ببخش و طاعت کمی که انجام داده ام قبول فرما، ای کسی که اندک را می پذیری و از بسیار عفو و گذشت می کنی، اندک مرا قبول فرما و از گناهان زیاد من درگذر، همانا تو بخشنده و بخشایش گر هستی، خدایا! به من رحم کن زیرا تو رحم کننده و مهربان هستی.»

ب- آداب بعد از مرگ

برخی از آداب بعد از مرگ عبارتند از:

بعد از مرگ مستحب است که چشم ها، دهان و چانه ی میت را ببندند، دست و پای او را دراز کنند و پارچه ای روی او بیندازند.

مستحب است در دفن میت عجله کنند و مؤمنین را برای تشییع جنازه اطلاع دهند.

واجب است میت را سه غسل بدهند (با آب سدر، با آب کافور و با آب خالص) سپس مستحب است او را حنوط کنند، آن گاه بر او نماز خوانده دفن کنند. (این احکام واجب کفایی است، اگر کسی آن را انجام دهد از سایر مؤمنین ساقط می شود) و تمام احکام باید مطابق فتوای مرجع تقلید انجام شود.

مستحب است از مؤمنین حاضر، خواسته شود تا برای میت دعا کنند و به خوبی و ایمان او شهادت دهند، و نیز برای او نماز رفع وحشت بخوانند.

ص: ۷۱

از مؤمنین خواسته شود تا او را حلال کنند (غیبت، تهمت، توهین، دشنام، حقوق همسایه، حقوق علما و اساتید، حقوق خانواده‌گي، و برخی حقوق مالی و...)

از مال مردم و از اموال خمس نداده و مشکوک برای میت خرج نکنند و اگر به پولی که برای کفن، دفن و... مصرف می‌کنند خمس تعلق گرفته باشد باید خمس آن را فوراً بپردازند.

سفارش شده است که در صورت امکان دو قطعه چوب مباح و تر و تازه به اندازه‌ی زراع را آماده کنند و با تربت کربلا همان ذکرهایی که در مفاتیح و در صفحه «۱۵» این کتاب آمده است را بنویسند و در بین پارچه پیچانده با میت در قبرش بگذارند.

مستحب است که میت را در داخل قبر و پس از پوشاندن قبر به تلقین معروف، تلقین دهند.

مستحب است گونه‌ی راست میت را روی خاک گذاشته بندهای کفن را باز کنند. و نیز قدری از تربت مقدس امام حسین (علیه السلام) جلو روی او بگذارند.

مستحب است در چیدن سنگ لحد یا گذاشتن آجر محکم کاری کنند، و از قسمت پایین پای میت رفت و آمد کنند.

مستحب است قبر میت را چهارگوش و مسطح کنند (به شکل برآمدگی نباشد)، روی قبر آب بریزند و انگشت‌ها را داخل خاک قرار داده هفت بار سوره‌ی مبارکه‌ی قدر را خوانده برای میت دعا کنند.

باید وصی میت هرچه زودتر به وصیت‌های او عمل کند. (۱)

ص: ۷۲

۱- نماز، تلقین میت و نماز وحشت و... در کتاب گلوآزه‌های معارف ذکر شده است. [اگر آن کتاب را با خود داشته باشید، جداً مفید است.]

وصیت و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۲ بار، و در روایات و تاریخ صدها بار مطرح شده است. (منظور وصیت لغوی و اصطلاحی است، یعنی سفارش) در این فصل چکیده ی برخی از وصیت های مهم به منظور معرفی اهمیت آن، بیان شده است.

از وصیت های خدای بزرگ (سفارش های ویژه او)

خدای بزرگ توصیه های مهمی برای سعادت بشر دارد، که به اشاره دو مورد بسنده می شود:

۱- «... وَ وَصَّيْنَا لِلْإِنْسَانِ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا» (۱)

«... و انسان را به نیکی کردن به پدر و مادرش توصیه و سفارش کردیم»

خدا در این آیه انسان را به یک امر مهم که احسان به والدین باشد توصیه کرده است.

ص: ۷۳

۲- عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «أَتَانِي جَبْرِئِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)! إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُنُكَ بِالسَّلَامِ وَيَقُولُ لَكَ: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)

وَصِيَّتَكَ وَخَلِيفَتَكَ عَلِيٌّ أَهْلَكَ وَ أُمَّتِكَ» (۱)

- پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «جبرئیل (علیه السّلام) نزد من آمد و گفت: ای محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)! پروردگارت به تو درود می فرستد و می گوید: «همانا علی بن ابی طالب (علیهما السّلام) وصی و جانشین تو در میان خانواده و امت تو می باشد.»

بخشی از وصیت های پیامبر اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

پیامبر خاتم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وصیت های فراوانی در ابعاد مختلف دارد که به برخی اشاره می شود.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيٌّ وَوَارِثِي قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عِلْمِي وَفَهْمِي...» (۲)

- ابوطیفیل از عمار یاسر روایت کرده است: «پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هنگام رحلتش، علی (علیه السّلام) را فراخواند و مفضل با او راز گفت، آن گاه فرمود: «ای علی! تو وصی و وارث من هستی خداوند دانش و درک مرا به تو عطا فرموده است...»

عَنْ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مُشِيرًا إِلَيَّ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ فَلَسَمِعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا» (۳)

- پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به امام علی (علیه السّلام) اشاره کرد و فرمود: «این (علی (علیه السّلام)) برادر

ص: ۷۴

۱- امالی شیخ مفید، ص ۱۶۸ ح ۳

۲- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۲۸ و کفایها لائر ص ۱۶ و ۱۷

۳- کنز العمال، ج ۳۶۴۱۹

و وصی و جانشین من در میان شماست فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید.»

عَنْهُ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا وَوَارِثًا وَ إِنْ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ وَارِثًا» (۱)

- پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی (علیه السلام) وصی و وارث من است.»

عَنْهُ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «يَا عَلِيُّ! أُوصِيكَ بِالْذُّعَاءِ فَإِنَّهُ مَعَ الْإِجَابَةِ» (۲)

- پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «ای علی! تو را توصیه و سفارش می کنم به دعا، زیرا که دعا با اجابت همراه است.»

از وصیت های امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) وصیت های مهمی داشته اند که برخی عبارتند از:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ: «أُوصِيكَ يَا بَنِيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا وَ بِالزُّكَاةِ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا وَ بِالصَّمْتِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ...» (۳)

- امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام): «فرزندم به تو توصیه و سفارش می کنم که نماز را در وقتش بخوانی و زکات را به موقع به اهله برسانی و در برابر شبهه خاموش باشی...»

وصیت نامه ی مهم امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) است که به عنوان منشور حیات آفرین در سرلوحه ی زندگانی انسان های خداجو برترین الگو خواهد بود. به خاطر رعایت اختصار، به ذکر بخش هایی از آن وصیت نامه ی الهی بسنده شده است.

ص: ۷۵

۱- تاریخ دمشق، ج ۳ ص ۵ ح ۱۰۲۱

۲- بحار الانوار، ج ۷۷ ص ۴ ح ۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸ ص ۱۲۳ ح ۴۲

«وَمِنْ وَصِيَّتِهِ لَهُ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام)» (۱)

از وصیت های آن حضرت (امیرالمؤمنین امام علی(علیه السلام)) است، به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام):

«أَوْصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَنْ لَا تَبْغِيَا الدُّنْيَا وَ إِنْ بَغْتُمَا ...»

- «شما را به تقوی و ترس از خدا سفارش می کنم، و این که دنیا را نخواهید (دنبال دنیا نباشید) هر چند دنیا شما را بخواهد و بر آنچه دنیا از شما گرفته است اندوهناک نباشید، همواره به حق و درست سخن بگوئید و برای پاداش یافتن (در آخرت) کار و کوشش کنید...»

«كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

- «همواره دشمن ظالم و ستمگر و یاور مظلوم و ستمدیده باشید. شما و همه ی فرزندان و خاندان خود و هر کسی که نامه ام به او می رسد را به تقوی و ترس از خداوند و نظم و به هم پیوستن کارها و برنامه ها و ایجاد صلح و آشتی در میان تان سفارش می کنم زیرا من از جدّ شما رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) شنیدم که فرمود: «اصلاح کردن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است.»

«لِلَّهِ لِلَّهِ فِي الْآيَاتِ...»

- «... از خدا بترسید از خدا بترسید درباره یتیمان آنان را گناه سیر و گناه گرسنه نگذارید و با بودن شما آنان فاسد و تباه نشوند (از نظر جسمی و روانی، و از نظر مادی و معنوی به آنان رسیدگی نموده حقوق آنان را

ص: ۷۶

رعایت کنید...»

«... و لِلَّهِ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ، فَإِنَّهُمْ وَصِيَّتُهُ نَبِيِّكُمْ ...

و لِلَّهِ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ عَيْرُكُمْ،

و لِلَّهِ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ،

و لِلَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لِاتَّخُلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ...،

و لِلَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيْكُمْ بِالْإِتِّوَاضِ ...

لَأَنْتُمْ كَوَالِئِ الْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ قِيُولِي عَلَيْكُمْ أَشْرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ، ثُمَّ قَالَ (عليه السلام): ... »

- «... از خدا بترسید از خدا بترسید درباره همسایگان که آن سفارش پیامبرتان است که همواره درباره ایشان سفارش می فرمودند تا حدی که گمان کردیم برای آنان میراث قرار دهد. خدا را، خدا را، درباره قرآن که دیگران با عمل به آن بر شما پیشی نگیرند. خدا را، خدا را، درباره نماز که ستون دین شماست. خدارا، خدارا، درباره خانه پروردگارتان (کعبه مکرمه) تا زنده هستید، آن را خالی نگذارید که اگر آن را رها کنید (از کيفر الهی) مهلت داده نمی شوید (به عذاب خدا گرفتار می شوید) خدا را، خدا را، درباره جهاد، با مال ها، جان ها و زبان های تان در راه خدا، و بر شما باد به همبستگی و دوستی و پشتیبانی هم دیگر، و بپرهیزید از جدایی و پشت کردن به یک دیگر، ... امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید (اگر امر به معروف و نهی از منکر را رها کردید) بدترین و فاسدترین شما بر شما مسلط می شوند، آن گاه هر چه دعا کنید دعای شما مستجاب نخواهد شد ... »

ص: ۷۷

وصیت نامه ی مهم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) چندین وصیت پربار گفتاری و نوشتاری داشته اند؛ یک وصیت نامه از آن حضرت، به عنوان سند شرعی و دستورالعمل مهم در این جا ذکر شد. [این وصیت نامه ای است با دست خط خود آن حضرت که در زیر متکایش قرار داشته است تا به آن عمل شود.]

(و من وصایا سیدتنا فاطمه زهراء لأمیر المؤمنین علیهما السلام))

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا ما أوصت به فاطمة (عليها السلام) بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)؛ أوصت وهي تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً (صلى الله عليه وآله وسلم) عبده ورسوله وأن الجنة حق والنار حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور. يا علي! أنا فاطمة بنت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) زوجتي لله منك لأكون لك في الدنيا والآخرة أنت أولى بي من غيري؛ خطبني وكتبني بالليل وصل علي ودفني بالليل ولا تعلم أحداً وأستودعك الله وأقرء علي ولدي السلام إلى يوم القيامة. (١)

«ترجمه وصیت نامه»

به نام خداوند بخشناينده بخشايشگر

- «این وصیت نامه ی فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است در حالی وصیت می کند که شهادت می دهد: خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده ی اوست و بهشت حق است و آتش جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شک در آن نیست و خداوند همه ی مردگان را

ص: ۷۸

زنده و وارد محشر می کند، ای علی! من فاطمه دختر محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) هستم. خدا مرا به ازدواج تو درآورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری؛ حنوط، غسل و کفن کردنم را در شب انجام بده و بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و هیچ کس را اطلاع نده. تو را به خدا می سپارم و بر فرزندانم تا قیامت و رستاخیز سلام و درود می فرستم.»

از وصیت های امام حسن مجتبی(علیه السلام)

جناده بن ابی امید می گوید: من خدمت امام حسن مجتبی(علیه السلام) در موقع شهادتش مشرف شدم... عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! به من پند و اندرز بده، فرمود: «آری خود را برای سفر [آخرت] آماده کن و پیش از آن که اجلت برسد توشه ی خود را به دست آر و بدان که تو دنیا را می جویی و مرگ تو را...»(۱)

و از وصایای امام حسن به امام حسین(علیهما السلام) این بود که فرمود:

«مرا در تابوتم بگذار و تا قبر جدّم رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) ببر برای تجدید پیمان، سپس به قبر جدّه ام فاطمه بنت اسد(علیها السلام) برگردان و در آن جا دفن کن و تو را به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) سوگند می دهم که در تشییع جنازه من خونی حتی به اندازه ی خونِ حجامت نریزد.»(۲)

از وصیت های امام حسین(علیه السلام)

امام حسین(علیه السلام) نیز وصیت های مهمی برای خاندان خویش و مؤمنان داشته اند که به برخی اشاره می شود.

ص: ۷۹

۱- فرهنگ سخنان امام حسن(علیه السلام) ترجمه علی مؤیدی: ص ۱۸۸

۲- همان: ص ۱۸۹

یکی از وصایای مهم آن حضرت در روز عاشورا و در دوّمین وداع با اهل بیتش این بود:

عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): «إِسْتَعِدُّوا لِلْبَلَاءِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ حَامِيكُمْ وَحَافِظُكُمْ وَسَيَجِيءُكُمْ مِنْ شَرِّ الْأَعْدَاءِ...» (١)

- آن حضرت برای دوّمین بار که با اهل و عیالش وداع می فرمود آنان را به صبر، شکیبایی و پایداری توصیه کرد و فرمود:

«برای روزهای سخت و غم بار آماده باشید و بدانید که خداوند پشتیبان و حافظ شماست و در آینده ی نزدیک، شما را از شر دشمنان نجات خواهد داد...»

عَنْ إِمَامِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): «يَا بَنِي إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَأَيِّجُدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهُ» (٢)

- امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید: که پدرم امام سجاد (علیه السلام) فرمود: (از جمله وصایای پدرم امام حسین (علیه السلام) این بود):

«فرزندم بهره‌یز از ستم کردن بر کسی که مدافع و یار و یاورى جز خدا ندارد.»

از وصایای امام زین العابدین (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام) وصیت های مهمی دارد. ! از جمله در بخشی از وصیت هایش می فرماید:

«خداوند را به سبب قدرتی که بر تو دارد دوست بدار و به خاطر نزدیک

ص: ۸۰

۱- مقتل مقرر: ص ۳۳۷ به نقل از جلاءالعیون

۲- سخنان امام حسین (علیه السلام)، نجمی: ص ۲۸۴ و اصول کافی ج ۲ ص ۳۳۱ ح ۵

بودنش به تو از او شرم کن و هرگز با کسی دشمنی نکن...، و به هیچ دوستی، سبک سری و ستم روا مدار...، هر کس از تو پوزش خواست عذر او را بپذیر هر چند بدانی که دروغ می گوید. باید بخشش و گذشت از مردم ورد زبانت باشد.»(۱)

از وصیت های امام محمد باقر (علیه السلام)

امام محمد باقر (علیه السلام) در یکی از وصایای پربارش برای جابر جعفری فرمود:

«تو را به پنج چیز وصیت و سفارش می کنم؛ اگر به تو ستم کردند، تو ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند تو خیانت مکن، اگر تو را تکذیب کردند عصبانی نشو، اگر مدح و ستایش کردند خوشحال مشو، اگر مذمت کردند دلگیر و ناراحت نشو، بلکه در آن چه که درباره ی تو گفته شده است فکر کن و بیندیش...»(۲)

از وصیت های امام صادق (علیه السلام)

صادق آل محمد (علیه السلام) و صایای عمده ای در همه ی ابعاد زندگی دارند که به بیان یک مورد بسنده می شود:

«أَفْضَلُ لِلْوَصَايَا وَالزُّمُّهَا أَنْ لَا تُنْسِيَ رَبَّكَ...»(۳)

- امام جعفر صادق (علیه السلام): «برترین و لازم ترین و ضروری ترین وصیت ها و سفارش ها این است که پروردگارت را فراموش نکنی و همواره به

ص: ۸۱

۱- ترجمه میزان الحکمه: ج ۱۴ ص ۶۸۲۰

۲- تحف العقول: ص ۲۸۴

۳- بحار الانوار: ج ۷۸ ص ۲۰۰ ح ۲۷

یادش باشی و نافرمانی اش ننمایی و نشسته و ایستاده بندگیش کنی.»

از وصیت های امام کاظم (علیه السلام)

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در بخشی از وصایایی که به هشام بن حکم داشت، فرمود:

«يَا هِشَامَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاطَبِ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ...» (۱)

- «ای هشام! آن که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند (از خود حساب نگیرد) از ما نیست، تا اگر نیکی کرده است به آن بیفزاید و اگر بدی کرده است، از خدا آمرزش بخواهد.»

از وصایای امام رضا (علیه السلام)

امام هشتم (علیه السلام) در یکی از وصایای خود می فرماید:

«صِلْ رَجْمَكَ وَ لَوْ بِشَرِبَتٍ مِّنْ مَّاءٍ...» (۲)

- «با خویشاوند خود محبت و پیوند کن اگر چه به جرعه ی آبی باشد و بهترین صله ی رحم خودداری از آزار اوست. خداوند (جل جلاله) فرمود: «صدقه ها [انفاق و کمک] خود را با منت گذاشتن و اذیت و آزار باطل نکنید.»»

ص: ۸۲

۱- تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۶۳۰

۲- همان، ص ۷۱۰

از وصیت های امام جواد(علیه السلام)

شخصی از امام جواد(علیه السلام) خواست تا او را توصیه کند، حضرت فرمود: «می پذیری؟» عرض کرد: آری، فرمود:

«صبر و شکیبایی را بالمش خود ساز و فقر را در آغوش بگیر، شربت ها و لذت ها را دور انداز و با هوا و هوس مخالفت کن و بدان که هرگز از چشم خدا پنهان نیستی [هر جا باشی در محضر خدایی و تو را می بیند] پس مواظب باش که چگونه و در چه حالی؟»

از وصایای امام هادی(علیه السلام)

حسن ابن مسعود می گوید:

«محضر ابوالحسن علی بن محمد (امام هادی) (علیهما السلام) شرفیاب شدم آن روز انگشتم ضربه دیده بود؛ گفتم: خدا شَرّ تو روز را از من کوتاه کند چه روز شومی هستی؟ حضرت فرمود: «تو هم این حرف ها را میزنی؟ با اینکه با ما رفت و آمد داری، گناه خود را به گردن بی گناهی می اندازی؟ [روزها و ساعت ها گناهی ندارند] حسن می گوید: من متوجه شدم گفتم مولای من! استغفر الله... حضرت در ضمن فرمایشات خود گفت: حسن! مگر نمی دانی که ثواب و عقاب و مکافات عمل در دنیا و آخرت به دست خداست؟ گفتم: بلی مولای من. فرمود: دیگر تکرار نکن و برای روزها نقش در حکم خدا قائل مشو، گفتم: «چشم مولای من» (۱).

ص: ۸۳

از وصایای امام حسن عسکری (علیه السلام)

امام حسن عسکری (علیه السلام) در یکی از وصیت نامه هایش برای شیعیانش این گونه فرموده است:

عَنِ إِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِيُشِيْعَتِهِ: «أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَوْنِ فِي دِينِكُمْ وَ لِاجْتِهَادِ لَيْلِهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ أَلَمَانِيَةِ إِيَّايَ مِنْ...»

- امام حسن عسکری (علیه السلام) برای شیعیانش: «شما را توصیه و سفارش می کنم به تقوای الهی و پارسایی در دین تان و سعی و کوشش برای خدا و راستگویی و بازگرداندن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است خوب باشد یا بد و طول دادن سجده و خوش همسایگی؛ زیرا محمد (علیه السلام) برای این ها آمده است...»

«... إِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا...» (۱)

در ادامه می فرماید: «از خدا بترسید و مایه ی آراستگی و آبرومندی (ما) باشید نه باعث عیب و ننگ (ما) ...»

از وصیت های امام زمان (ارواح العالمین له الفداء)

ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در راستای رهبری جامعه در زمان غیبتش این گونه توصیه و سفارش می فرماید:

قَالَ إِمَامُ الْمَهْدِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «أَمَّا الْحَوَادِثُ فَلَوَاقِعُهُ فَلَارْجِعُوا فِيهَا إِيَّايَ رُؤَاتِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...» (۲)

- امام مهدی (علیه السلام): «در زمینه ی رخدادهایی که به وقوع می پیوندد به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت

ص: ۸۴

۱- تحف العقول، ص ۷۸۲ و ترجمه ی میزان الحکمه، ج ۱۴ ص ۶۸۳۴

۲- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۷۰ ح ۳۴۴

از وصیت نامه ی الهی و سیاسی امام خمینی (قدس سره)

در طول تاریخ، اندیشمندان و متفکران مسلمان وصیت نامه های ارزشمندی به یادگار گذاشته اند که از مهم ترین آن ها وصیت نامه ی فقیه خردمند حضرت امام خمینی (قدس سره) است که با الهام از قرآن و فرهنگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت: وصیت نامه ی جامعی از اصول، فروع، سیاست اسلامی و... ارائه داده اند که خود منشور بزرگی است برای نظام اسلامی و مسلمانان جهان فراتر از مرزهای جغرافیایی؛ در این جا به گوشه های آن اشاره می شود:

«و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی- الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد...»

(۱)

بیداری- استقلال

و نیز فرموده اند:

«باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاول گران بین المللی نکشند و با اراده ی مصمم و فعالیت و پشتکار خود، به رفع وابستگی ها قیام کنید...» (۲)

و در بخش دیگر می فرمایند:

«... و وصیت من به ملت های کشورهای اسلامی این است که انتظار

ص: ۸۵

۱- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)، قطع جیبی ص ۱۲

۲- همان ص ۳۹

نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می بخشد قیام کنید
«...»(۱)

و در بخش دیگر آمده است:

«و وصیت من به همه، آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ی ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است...»(۲)

قلب مطمئن

آن رهبر فرزانه که به حق تا پای جان مبارزه کرد و نظام مقدسی را به وجود آورد و روح بلندش با یاد خدا آرام گرفت که می فرماید:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذر مرا در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.»(۳)

ص: ۸۶

۱- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)، قطع جیبی ص ۵۶

۲- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره)، قطع جیبی ص ۹۰

۳- وصیت نامه ی سیاسی الهی امام خمینی (ره) قطع جیبی، ص ۹۱

متأسفانه در برنامه های اجتماعی، آداب و

رسوم، عادات و سنت های مردمی، نابسامانی ها و بدعت هایی وجود دارد که به عنوان وظیفه جلو آن ها را باید گرفت.

بر علما، بزرگان، خردمندان، دانشمندان و دلسوزان جامعه است که مردم را کنترل کنند و فرهنگ های اسلامی و سالم را جایگزین فرهنگ های غلط و نامشروع بسازند. در این فصل اشاره های کوتاهی به عنوان طرح و پیشنهاد ارائه می شود تا شاید برای مردم مؤمن و متدین به ویژه نسل های آینده مفید و سودمند باشد. برخی از آن پیشنهادها عبارتند از:

۱- زیارت اهل قبور که بر مردها و زن ها مستحب و دارای اجر و ثواب فراوان است را نباید با روشن کردن شمع، پارچه بستن، خاک برداشتن و... به خرافات آلوده کرد و جداً از این گونه بدعت ها باید جلوگیری کرد.

۲- در کلیه برنامه ها مطابق شریعت اسلام و فتوای مراجع عالیقدر تقلید باید عمل کرد.

۳- در تمام برنامه‌ها حجاب اسلامی و شئون دینی باید رعایت شود. زن‌های بی‌حجاب و آرایش کرده در مراسم تشییع و سوگواری که مردهای نامحرم هستند و آنان را می‌بینند نباید شرکت کنند.

۴- در تشییع جنازه‌ها شایسته است که خانم‌ها شرکت نکنند. علما فرموده‌اند که تشییع و حمل جنازه بر زن‌ها سنت نیست. (۱)

و نیز فرموده‌اند: بهتر است زنان در تشییع جنازه، ولو میت زن باشد، شرکت نکنند. (۲)

و در روز هفتم میت یا هر وقت دیگر، خانم‌ها اگر خواستند با رعایت مقررات اسلامی به زیارت اهل قبور شرکت کنند تا از ثواب زیارت بهره‌مند شوند. از دیدگاه فقهای شیعه زیارت قبور مؤمنین مطلقاً برای زن‌ها و مردها مستحب است. (۳)

۵- اگر مراسم چهلم میت فقط زنانه یا با نذر مختصر دایر شود، کافی است. زیرا برخی مؤمنان فقیراند و توان مصارف بالا را ندارند، و نباید زیر بار قرض بروند لذا می‌شود فشرده انجام داد.

۶- در تعزیه‌ها و سایر مراسم از مصارف سنگین و متنوع و

اسراف و تبذیر خودداری شود؛ زیرا اسراف و تبذیر حرام و گناه است.

در توضیح المسائل آمده است: مناسب است مراسم عزاداری و مجلس فاتحه ساده برگزار شود و لازم است از اسراف و کارهای خلاف شرع در آن پرهیز گردد. (۴)

ص: ۸۸

۱- مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، ص ۱۰۸۱ آداب اموات.

۲- برگرفته از العروه الوثقی، ج ۱ ص ۴۱۹ و تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۷۸.

۳- الفقه علی المذاهب اهل البیت ع، ج ۱ صص ۶۹۴-۶۹۸.

۴- توضیح المسائل جامع، ج ۱ ص ۲۴۸ م ۷۸۰.

۷- از ریاکاری، خود نمایی، چشم و هم چشمی ها که بدون تردید حرام و گناه است خودداری باید کرد.

۸- بعد از تشییع جنازه یا بعد از تعزیه، یک فاتحه خوانده وزن و مرد از آنجا مرخص شوند و نباید به در منزل مصیبت دیدگان بروند که جدا سد معبر و باعث اذیت همسایگان می شوند، اگر عده محدودی از بستگان نزدیک بروند شاید مشکلی نباشد.

۹- در مراسمی که صرف غذاست، نباید افراد بدون دعوت شرکت کنند و نیز آوردن فرزندان بدون دعوت حرام و گناه است. (البته در برخی موارد راننده و کودکانی که نمی تواند تنها در خانه بماند شامل این امر نخواهد بود).

۱۰- صاحبان مجلس در نذر و مراسم، از فقرا و نیازمندان بیشتر دعوت کنند تا ثواب بیشتری به دست آورند، و نیز از غذاهایی که اضافه می ماند به خانواده های فقیر بفرستند.

۱۱- کسانی که کمک نقدی به قاریان قرآن، سخنران جلسه و مداح می کنند، بهتر است آن را نذر نیت کنند.

۱۲- شرکت کردن در مراسم مذهبی باید برای رضای خدا باشد نه رقابتی و نه معامله ای؛ برخی می گویند: من در فاتحه و مجلس فلانی نمی روم چون او در مجلس ما نیامد؛ این روش درست نیست، این برنامه ها باید خدایی باشد نه معامله و قرض و رقابت و چشم و هم چشمی.

۱۳- بهتر است که از نوشتن پارچه ها، بنرها و اعلامیه های همدردی که جز ریاکاری، خودنمایی و مصرف های بی جا چیز دیگری نیست، خودداری شود مگر درباره شخصیت های بزرگ و مهم و موارد استثنایی.

۱۴- از نظر فقها نوشتن نام میت بر قبر یا سنگ و نصب آن بر قبر مستحب

است. (۱) و نباید زیاده روی کرد، نوشتن آیات قرآن و اسماء متبرکه در سنگ قبر، خوب است در صورتی که زیر پا نباشد و توهین نشود، اما اگر زیر پا می شود یا اگر مورد اهانت قرار می گیرد جداً خودداری شود.

۱۵- آوردن تاج های گل در مراسم فاتحه و سوگواری در سنت و سیره نبوی وجود ندارد و جز اسراف، ریا و خودنمایی چیزی دیگری نیست (گاهی پول های زیادی در این گونه موارد ریخت و پاش می شود که واقعاً گناه است، اگر آن پول ها را مظالم العباد یا صدقه بدهند یا قرآن و کتاب خریده وقف کنند ثواب های فراوانی برای میت و بازماندگانش خواهد داشت).

از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده است: «زمین قیامت (یک پارچه) آتش است جز سایه مؤمن؛ زیرا صدقه اش بر او سایه می افکند». (۲)

۱۶- در مجموع مناسب است که از تعدد برنامه ها و تشریفات بی مورد پرهیز شود و مهمانان و مراجعین محترم مزاحمت مصیبت دیدگان را فراهم نکنند. (در هر برنامه ای رعایت حال فقرا و محرومین ضروری است).

«عده ای از علما و مؤمنین عزیز مربوط به حسینیه حضرت ابی الفضل العباس (ع) در این باره تصامیمی اتخاذ کرده اند که مناسب و مفید است»

۱۷- برای ورثه میت واجب و لازم است که هر چه زودتر به عملی کردن وصیت های میت به خصوص امور واجب پردازند، بی توجهی و بی اعتنائی گناه است.

۱۸- مراسم تعزیه، هفتم، چهلم، سالگرد خوب است و ثواب فراوان دارد اما مستحب است؛ اگر میت بی وصیت یا با وصیت از دنیا رفته باشد و ورثه صغیر

ص: ۹۰

۱- العروه الوثقی، ج ۱ صص ۴۴۰-۴۴۷.

۲- الکافی: ۴/۳۶.

یا مجنون داشته باشد از مال میراث مشترک، اگر این گونه برنامه ها را انجام دهند حرام و خلاف شرع است، باید اول ترکه صورت بگیرد تا مال صغیر و مجنون از بین نرود، سپس ورثه کبیر از سهم خودشان می توانند مراسم را دایر کنند، و در مواردی که نمی دانند و مشکل دارند، باید برای حل مشکل به مرجع تقلید مراجعه کنند.

۱۹- مستحبات ثواب زیادی دارد اما آن چه که میت از حق الله و حق الناس بدهکار است، مثل نماز قضا، روزه قضا، حج، وجوهات، مظالم العباد، و بدهکاری های مردم و... واجب است آن ها هر چه زودتر توسط وصی و ورثه برای رضای خدا انجام شود.

۲۰- از نظر اسلام و مراجع عظام، تغییر دادن وصیت میت، تقلب، مخفی کردن وصیت نامه، محروم ساختن برخی از وارثین میت از میراث و... حرام، موجب ضمان و سبب مجازات دنیایی و آخرتی می باشد.

متأسفانه برخی از وراثت با مخفی کاری یا حيله و نیرنگ و صحنه سازی، یا با زور سهم میراث برخی از وارثین ضعیف و ناتوان و یا کودکان و زنان را تصرف نامشروع می کنند و به تاراج می برند که سخت خطرناک است. (نعوذ بالله تعالی منه) برخی دنیا پرستان حق میراث پدر، مادر، خواهران و... را نمی دهند و بی پروا پارچه های آتش را می خورند.

شایسته و مناسب است که در هفتم اشاره کوتاهی به مسائل و احکام ارث از نظر فقهای شیعه داشته باشیم تا شاید برای خوانندگان عزیز مفید و سودمند باشد.

تذکر: مسائل میراث بسیار پیچیده و گسترده است هر کسی نمی تواند آن را خوب انجام دهد.

در این فصل از بین ۴۹ صفحه از کتاب توضیح المسائل مراجع تقلید این مسائل مهم را خلاصه کردم و به روش ساده آوردم تا هر طلبه مبتدی و هر آدم کم سواد بتواند از آن استفاده کند، و نیز هر کسی که وصیت نامه می نویسد یا می خواهد به وصیت عمل کند یا میراث را تقسیم نماید مناسب است که فصل هفتم این کتاب را بخواند.

بخش اول: معرفی سه دسته اصلی وارثین

از آن جایی که مسئله ارث بسیار مهم است لازم دیده شد که به چکیده برخی از مسائل مهم ارث مطابق فتوای مشهور مراجع اشاره شود؛ تفصیل آن را در رساله های فقها باید جستجو کرد.

خویشاوندان نسبی میت که مطابق شریعت اسلام از او ارث می برند، سه

دسته هستند به این شرح:

۱- دسته اول از وراثت عبارتند از پدر و مادر و اولاد میت، و با نبودن اولاد، اولاد اولاد، هرچه پایین روند، هرکدام آنان که به میت نزدیک تر است ارث می برد؛ و تا یک تن از این دسته وجود داشته باشد دسته دوم ارث نمی برند.

۲- دسته دوم: جد و جدّه یعنی پدر بزرگ و مادر بزرگ، و خواهر و برادر، و با نبودن خواهر و برادر، اولاد آنان هرکدام که به میت نزدیک تر باشد ارث می برد، و تا یک نفر از این دسته باشد، دسته سوم ارث نمی برند.

۳- دسته سوم: عمو، عمه، دایی، خاله و اولاد آنان است، و تا یک نفر از عموها، عمه ها، دایی ها و خاله های میت زنده باشند اولاد آنان ارث نمی برند.

اما اگر میت عمومی پدری (یعنی عمومی که با میت از یک پدر است و از مادر شریک نیست) و پسر عمومی پدر و مادری (یعنی از پدر و مادر شریک باشند) داشته باشد، ارث به پسر عمومی پدر و مادری می رسد و عمومی پدری ارث نمی برد.

۴- در تقسیم ارث هر مرد یک سهم و هر زن نیم سهم می برد مثلاً اگر میت یک پسر و دو دختر داشته باشد، برای پسر نصف ارث می رسد و نصف دیگر ارث بین دو دختر مساوی تقسیم می شود.

۵- اگر وارث میت فقط یک نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر تمام مال میت به او می رسد و سایر ورثه از دسته دوم و سوم سهمی نمی برند.

۶- همچنین است از دسته ی دوم و یا دسته ی سوم که تفصیل آن را از رساله های مراجع به دست خواهید آورد.

در ادامه لازم دیده شد که برخی از سائرمسائل مهم ارث نیز به طور خلاصه مطرح شود که عبارتند از:

۱- اگر زن دائمی بمیرد و اولاد نداشته باشد نصف همه مال را شوهر او و بقیه مال را ورثه دیگر زن می برند.

۲- اگر زن دائمی بمیرد و از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد یک چهارم همه مال را شوهرش و بقیه را ورثه دیگر آن زن به ارث می برند.

۳- اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، یک چهارم مال او را زن دائمی آن مرد و بقیه مال را ورثه دیگر مرد می برند.

۴- اگر مردی بمیرد از زن فعلی خود یا از زن دیگرش اولاد داشته باشد یک هشتم مال را زن دائمی و بقیه را ورثه دیگر آن مرد به ارث می برند.

۵- زن از همه اموال منقول شوهرش ارث می برد ولی از زمین اعم از زمین خانه، باغ و زمین زراعتی و قیمت آن ارث

نمی برد.

۶- بنا به فتوای مشهور و نظر اکثر مراجع عظام؛ زن از خود هوای خانه مانند بنا و درخت ارث نمی برد ولی از قیمت آن ها ارث می برد. [در این مورد فتوای مراجع مختلف است هر کس مطابق نظر مرجع تقلید خود باید عمل کند]

۷- زن و شوهری که به ازدواج موقت به عقد هم در آمده اند از یکدیگر ارث نمی برند مگر آن که در ضمن عقد ازدواج موقت، ارث بردن را شرط کرده باشند.

۸- اگر زن بخواهد در چیزی که از آن ارث نمی برد تصرف کند باید از ورثه

۹- از نظر مراجع عظام ورثه میت تا سهم زن را نداده اند بنا بر احتیاط واجب نباید در بنا و چیزهایی که زن از قیمت آن ها ارث می برد بدون اجازه او تصرف کنند.

۱۰- در هر چیزی که زن از آن ارث می برد اگر ورثه آن را بفروشد و با اجازه زن باشد صحیح است و اگر بدون اجازه زن باشد آن معامله نسبت به سهم آن زن باطل است.

۱۱- اگر میت بیش از یک زن داشته باشد چنانچه اولاد نداشته باشد یک چهارم مال آن مرد به طور مساوی بین زن های عقدی او تقسیم می شود.

۱۲- و اگر چنانچه آن مرد اولاد داشته باشد یک هشتم مال به طور مساوی بین زن های عقدی او تقسیم می شود. (البته در اینکه با آن ها نزدیکی کرده باشد یا نه در فتاوی مراجع اختلاف نظرهایی وجود دارد که باید به آن توجه داشت).

۱۳- اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق بیان شده است طلاق رجعی بدهند و در بین عده بمیرد شوهر از او ارث می برد.

۱۴- اگر شوهر در طلاق رجعی زن در بین عده زن بمیرد آن زن طلاق شده از آن مرد ارث می برد.

۱۵- بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق باین یکی از آنان (زن یا مرد) بمیرد دیگری از آن ارث نمی برد.

۱۶- لباسی را که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته است اگر چه زن آن را پوشیده باشد بعد از مردن شوهر جزء مال شوهر است. (مگر آن که به فتوای برخی مراجع آن را مرد به زن خود تملیک کرده باشد)

۱۷- قرآن، انگشتر، شمشیر میت و لباسی را که پوشیده است مال پسر بزرگ تر است. (به فتوای برخی مراجع اگر از این ها بیشتر از یکی مال میت باشد پسر بزرگ تر با ورثه دیگر صلح کند.)

۱۸- قضای نماز و روزه پدر با شرایطی که در فقه بیان شده است بر پسر بزرگ تر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد یا برای انجام آن ها اجیر بگیرد.

۱۹- مسلمان از کافر ارث می برد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از مسلمان ارث نمی برد.

۲۰- اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشد

از او ارث نمی برد ولی اگر از روی خطا باشد از او ارث می برد.

۲۱- اگر کسی بمیرد و زن یا زنان حامله داشته باشد سهم تعدادی را که احتمال می دهند، به عنوان پسر کنار بگذارند و بقیه را بین ورثه تقسیم کنند. (امروز در اکثر نقاط جهان این مسئله حل شده است، زیرا با وسایل پیشرفته مثل سونوگرافی، جنسیت و تعدد جنین مشخص می شود. البته در برخی روستاها هیچ گونه امکانات وجود ندارد که باید به ترتیبی که بیان شد عمل کنند.)

۲۲- اگر در بین ورثه، صغیر یا مجنون وجود داشته باشد یا برخی از وارثین اجازه تصرف در میراث مشترک را ندهند انجام امور مستحب برای میت و نیز تصرف کردن سایر ورثه در مال میراث، جایز نیست؛ لذا باید طبق دستور شرع مقدس اول تر که صورت بگیرد و حق صغیر و مجنون جدا شود و به قیم شرعی

سپرده شود تا حق آنان تلف نشود. (۱)

۲۳- فرزند خوانده نه محرم است و نه میراث می برد.

۲۴- فرزند رضاعی با شرایط خاص محرم می شود اما میراث نمی برد و نیز از فرزند رضاعی، پدر و مادر که شیر داده اند میراث نمی برند.

۲۵- خواهران و برادران فرزند رضاعی برای والدینی که شیر داده اند، محرم نمی باشند و ارث نمی برند.

این بود فشرده ای از نکات کلیدی مسائل ارث (که از ۴۹ صفحه به ۵ صفحه خلاصه کردم) و برای سهولت در کار علمای بزرگوار، از کتب فتوایی مراجع تقلید (حفظهم الله تعالی) برداشت کرده و ارائه دادم؛ تفصیل مسائل و اختلاف نظرها را از رساله های عملیه باید به دست آورد.

تذکری به علما و فرهنگیان

اشاره

اینک تذکر می دهم و عرضه می دارم: ای علمای عزیز، دانشمندان، مبلغان، خواهران و برادران! عنایت دارید که با توجه به وضعیت امروزی و فراموش شدن برخی از فزازه های فرهنگ اسلامی، مسئولیت ما سنگین تر و رسالت ما جدی تر شده است.

امیدواریم همه احساس مسئولیت کنند؛ امروز واجب است که مسائل اعتقادی، احکام شرعی، مسائل سیاسی، دستورهای حقوقی و... از هر طریقی و به هر روش ممکن [توسط رسانه ها، کتاب ها، نشریه ها، نمایشنامه ها، سخنرانی ها و...] بیان شود و به شبهات پاسخ ارائه شود.

ص: ۹۸

۱- برگرفته از توضیح المسائل محشی (۱۳مرجع) ج ۲ صفحات، ۷۰۵ تا ۷۵۴.

این برادر شما خواست یک اشاره کوتاهی به فرهنگ وصیت داشته باشد، تا شاید گام خیری باشد برای سعادت و خوشبختی نویسنده و پویندگان حقیقت.

به عنوان حسن ختام، این نوشتار را با این دعا به پایان می برم.

«اللَّهُمَّ ارزُقْنَا حَيَاةً طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ احْشُرْنَا مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ ارزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ وَ فِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ. آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.»

در این بخش، برخی از اشعاری را که درباره ی والدین بزرگوارم (ره) سروده ام می آورم تا یادگاری باشد از آن دو فرشته ی رحمت در زندگانی ام و فزاهایی از تاریخ این حقیر.

به یاد مادر مهربانم (ره)

مادرم بود عزادار حسین (علیه السلام)

داشت با نام حسین (علیه السلام) ناله و شین

عاشق زینب و زهرا و علی:

گاه می گفت حسن گاه حسین (علیهما السلام)

نماز مادر

چه خوب راز و نیازی داشت مادر

عجب سوز و گدازی داشت مادر

سحر گاهان و گلبانگ اذانش

به شوق او نمازی داشت مادر

ص: ۹۹

(همو که دارای کرامات عجیبی بود «رحمه الله علیه»)

خورشید از آن پیر هنت رفت به افلاک

آن جلوه ممتاز تو در پرده نمان شد

در هر قفسی بی نفسی مانده گرفتار

بشکستی قفس جلوه خورشید عیان شد

تک ستاره (پدر جانم!)

پدر خورشید تابانم تو بودی

همای روح پیمانم تو بودی

نگاهت جلوه ای از آسمان بود

چراغ نور بارانم تو بودی

به نور تابناکت پرگشودم

زلزال مهر یزدانم تو بودی

چه خوش بود آن دعاهایت پدر جان

نسیم هر گلستانم تو بودی

به عمق سینه ام نور کلامت

معلم در دبستانم تو بودی

به چشمم گرد پایت سر مه می شد

صفای چشم و هم جانم تو بودی

فراقت سینه ام را می گدازد
شعاع صبح خندانم تو بودی
چرا کردی غروب ای تک ستاره
فروغ صد شبستانم تو بودی.

دعای بابا

عجب لطف و صفایی داشت بابا
و هم راز و ثنایی داشت بابا
زیارت کردنش رضوان و کوثر
برای ما دعایی داشت بابا
مدرسی حجازی، تهران، ۱۳۷۹ / ۶ / ۲

دعای مادر

دعای مادرم نور و ضیا داشت
نوازش های او عشق خدا داشت
به این فرزند نالایق که بوم
زعمق جان خود هر دم دعا داشت

توجه

تا این جا کتاب وصیت و دستور آن و نیز داستان ها و مطالب مهم دیگر مطرح شد. اینک دو نمونه فرم وصیت برای خانم ها و آقایان ارائه می شود تا از روش آن استفاده شود.

ص: ۱۰۱

یک امر مهم فراموش شده

برخی از مؤمنان در سفر نمازهای شان فوت شده است و نمازهای چهار رکعتی در سفر قصر (شکسته) می باشد، باید قضای آن را شکسته انجام دهند و باید در وصیت نامه نیز روشن کنند تا شکسته انجام شود. [نباید غفلت کرد].

خانمه: فرم و الکوی وصیت نامه

برای راهنمایی و سهولت در نوشتن وصیت نامه دو قسم فرم تنظیم شده است، یک فرم برای آقایان و یک فرم برای خانم ها تا برای وصیت نامه نوشتن از آن ها استفاده شود. [البته بهتر است که فرم در دفتر چه پیاده شود و وصیت نوشته شود و کتاب مورد مطالعه باشد].

ص: ۱۰۲

اینجانب: شهرت:

فرزند: متولد: / / شماره شناسنامه: صادره از: ساکن: مقلد:
..... تاریخ حساب سال: روز: ماه: در حال اختیار و عقل، در پیشگاه خدای بزرگ (جل جلاله) شهادت می دهم به وحدانیت او، رسالت پیامبران الهی: (از حضرت آدم(علیه السلام) تا حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم))، خاتمیت پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم)، امامت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و یازده فرزند معصوم آن بزرگوار:و به عصمت اُمّ الائمه حضرت زهرا(علیهاالسلام) و به حقانیت دین مبین اسلام و قرآن عظیم الشان؛ و ایمان دارم به این که مرگ حق است و باور دارم که بهشت و جهنم، حشر و نشر، حساب و کتاب، میزان و صراط، مکافات و مجازات از طرف خدای حکیم و عادل حق است، و من به رحمت خدای مهربان و شفاعت پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین(علیهم السلام) و حضرت زهرا(علیهاالسلام) امیدوار هستم. من، بنده الله، با اعتقاد کامل به اصول و فروع اسلام، و عذر تقصیر به پیشگاه ارحم الراحمین، با توجه به دستور خدا و رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین(علیهم السلام) وصیت شرعی خویش را به این شرح ارائه

می‌کنم: وصی خود آقای فرزند به شماره ی شناسنامه ی و ناظر وصیت، جهت حسن اجراء آقای/خانم و
قیم فرزندان صغیرم جناب آقای را تعیین کردم.

امضاء وصی: امضاء ناظر:

امضاء قیم فرزندان

شرح کامل وصیت:

مواردی که باید به آن عمل شود عبارتند از:

محل دفن؛ غسل، نماز میت و کیفیت خاک سپاری:

.....
حلیت خواستن از مؤمنین:

.....
ص: ۱۰۴

نماز وحشت:

.....

تشییع:

.....

مراسم تعزیه:

.....

نماز قضا شده یومیه:

.....

.....

نماز آیات:

ص: ۱۰۵

روزة قضا شده:

سهام مبارك امام (عليه السلام):

سهام سادات عظام:

زكات و زكات فطره:

ص: ١٠٦

.....
.....
مظالم العباد:

.....
.....
حجّ نيابتي:

.....
.....
كفّارات:

.....
.....
ص: ١٠٧

.....

آن چه باید اجرا شود اگر اصل ترکه حساب نمی شود از ثلث مالم برداشته شود و بقیه ثلث در مواردی که تعیین می کنم مصرف شود. «درباره وجوهات و مسایل شرعی باید از مرجع تقلید و یا وکیلش دستور گرفت» مثلاً برای صدقه هایی جاریه (مثل مسجد، مدرسه، وقف قرآن، وقف کتاب، ساختن درمانگاه، خیریه و... مطابق وصیت عمل شود)

مبلغ غ برای بیس تنگانم: برادران، خ واهران و

.....

بدهکاری های من از این قرار است:

مهریه زوجه دائمی من، خانم فرزند شماره شناسنامه صادره از مبلغ/تعداد

..... و

.....

.....
..... برای نذر شرعی:

..... برای غیر بستگانم:

کسانی که به من بدهکار می باشند (طلبکاری های من) با چک یا بدون چک عبارتند از:

ص: ۱۰۹

.....
ورثه قانونی (حصر وراثت)

ورثه قانونی من عبارتند از:

پدر مادر همسر یا همسران بیسه نام های
..... ۱ ۲ ۳

فرزندان کوچکتر من بیسه نام های: (۱) ۲
..... ۳ ۴ ۵ ۶ ۷
..... ۸ ۹ ۱۰

فرزندان صغیر من: (۱) ۲ ۳ ۴ ۵
..... ۶ ۷

برای فرزندان صغیرم، جناب فرزند را قیم، تعیین کردم تا سرپرستی اطفالم را به عهده داشته و از
حق و اموال شان مطابق شریعت مقدس اسلام نگهداری

ص: ۱۱۰

نماید و او را به تقوا و امانتداری سفارش می‌کنم، و باید مطابق دستور مرجع تقلید و علما عمل کند و به امور دینی فرزندانم بیشتر توجه داشته باشد.

سایر موارد:

حق الزَّحْمَةُ وصی:

حق الزَّحْمَةُ

ناظر:.....

حق الزَّحْمَةُ قِیم فرزندان صغار:.....

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ ...

هرکسی که وصیتیم را پس از آن که شنید تغییر دهد گناه آن برکسی است که

ص: ۱۱۱

آن را تغییر دهد، خدا شنوا و آگاه است. (کسی حق ندارد وصیت میت را تغییر دهد یا مخالف آن عمل کند)

ه- شمسی: ۱۳ //

ه- ق: ۱۴ //

میلادی: ۲۰ //

امضای وصیت کننده:

امضای وصی: امضای ناظر:

امضای قیم:

امضای شاهدها: ۱- ۲-

۳- ۴-

تذکر: خوب است که وصیت نامه مهم آقایان و خانم ها، در سه نسخه باشد. (یک نسخه دست وصی، یک نسخه دست ناظر و یک نسخه دست شخص وصیت کننده و در صورت نیاز یک نسخه به مرکز دینی یا در شعبه مناسب دولتی نگهداری شود.)

ملاحظات:

.....

ص: ۱۱۲

.....

.....ها:

.....ملاحظات:

.....

ص: ١١٣

ثبت عمده اموال منقول و غير منقول:

.....: منزل:

.....: مغازه:

.....

.....: سرقتی:

.....

.....: وسايل نقلیه:

ص: ۱۱۴

موارد:

بود فرم وصیت نامه آقایان. و در امور واجب.

واجب است که خانم ها نیز وصیت نامه داشته باشند. روی برخی

ص: ۱۱۶

ملحوظات، فرم وصیت نامه خانم ها جداگانه ارائه می شود. [و این خود شخصیت دادن برای زنان است.]

روش نوشتن وصیت نامه خانم ها

اینجانب: شهرت:

فرزند: همسر: متولد: / / شماره شناسنامه: صادره از: ساکن: مقلد: تاریخ حساب سال: روز: ماه: وصی خود آقای فرزند را با نظارت آقای قرار دادم.

شرح وصیت:

.....

ص: ۱۱۷

.....
..... وحشت:

..... تشیع:

..... تعزیه: نماز قضای یومیه:

.....

..... نماز آیات و:.....

.....

..... روزة قضا:..... سههم مبارك امام (عليه السلام):

.....

..... سههم سادات عظام:..... مظالم العباد:

.....

.....
..... کفارات:.....
.....

..... توضیح درباره اموال و میراث پدری:.....

ص: ۱۲۰

.....
ورثة قانونی (حصص وراثت)

ورثة قانونی من عبارتند از:

پدر مادر و همسر به نام

فرزند دان ک بییر م ن به نام ای: (۱) ۲.....

..... ۳..... ۴..... ۵..... ۶.....

..... ۷..... ۸..... ۹..... ۱۰.....

فرزند دان ص غیر م ن: (۱) ۲.....

..... ۳..... ۴..... ۵..... ۶..... ۷.....

.....
حق الزّحمه وصى:

حق الزّحمه

ناظر:.....

ملاحظات:.....

هـ - شمسی: // ۱۳

ه قمری: // ۱۴

میلادی: // ۲۰

امضای وصیت کننده:

امضای وصی: امضای ناظر:

امضای قیم:.....

ص: ۱۲۲

امضای شاهدا: ۱- ۲-

۳- ۴-

برخی از مسائل قابل توجه:

۱. خود شخص با توجه به شرایط پیش آمده می تواند وصیت خود را تجدید و یا تغییر دهد.

۲. کسی دیگر حق ندارد وصیت کسی را بدون اجازه شخص او تغییر دهد.

۳. پنهان کردن وصیت باعث مشکلات و خطرناک است. و نیز زمینه ساز حرام خواری و فساد خواهد بود.

تجدید نظر یا مطالب ضروری دیگر:

چند تذکر مهم و قابل توجه:

وصیت نامه خود را توسط یک عالم بنویسید. (اگر چه خرج و هزینه داشته باشد اجر و ثواب خواهد داشت)

در حل و فصل مسائل به مرجع تقلید یا وکیلش مراجعه کنید.

امضای وصی، قیّم، ناظر و شاهد ها فراموش نشود.

اگر وصیت نامه شما مهم است و احتمال نابود کردن یا تغییر دادن آن است، چند نسخه تکثیر کرده آن را رسمی و قانونی بسازید و در جاهای مهم بگذارید.

هر آنچه وصیت می کنید باید مطابق فتوای مرجع تقلید باشد.

به برخی آقایان اخطار می شود و جدی تذکر داده می شود: اگر مسئله ای را بلد نباشید مخصوصاً تقسیم میراث، ابدأ مداخله نکنید و متوجه باشید که مدیون نشوید که سخت خطرناک است؛ حق الناس حتی با شهید شدن هم بخشیده نمی شود.

ص: ۱۲۴

۱. قرآن عظیم الشأن.
۲. اصول کافی؛ مرحوم کلینی (ره) ترجمه کمرهای چاپ ۳-
- ۱۳۷۵
۳. الاحتجاج؛ ابی منصور احمد بن علی الطبرسی طبع ۱۴۰۳ هـ-ق
۴. بحار الانوار؛ مرحوم علامه مجلسی (ره) تحقیق علوی... ۸۸... تهران.
۵. تحف العقول؛ ترجمه احمد جنتی، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۸۴.
۶. تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (ره) دارالعلم قم ج ۳ نهم ۱۳۸۰ ش.
۷. توضیح المسائل محشی متن از امام خمینی، حاشیه مراجع دیگر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم چاپ یازدهم ۱۳۸۴ ش.
۸. غرر الحکم؛ عبد الواحد تمیمی آمدی، ضریح آفتاب ۱۳۸۱
۹. فرهنگ سخنان امام حسن (علیه السلام)؛ ترجمه علی مؤیدی چاپ اول
۱۰. فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)؛ محمد صادق نجمی چاپ اول
۱۱. کنز العمال؛ المتقی الهندی، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۷.
۱۲. میزان الحکمه؛ محمد محمدی ری شهری دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۱۳. من لا یحضره الفقیه؛ للصدوق (ره) تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم.
۱۴. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، ناشر: بکاء، چاپ کوثر ۱۳۸۶.
۱۵. وسائل الشیعه؛ مرحوم حر عاملی (ره) نشر مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره) تهران نشر آثار، ۱۳۷۳.
- ...و. ۱۷

آثار چاپ شده مؤلف

زمزم نور (دائرة المعارف حرمین) چاپ دوم.

خوشه های خورشید در سوریه.

ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) چاپ سوم.

گلوآزه های معارف (۱) چاپ پنجم.

کتاب حاضر (وصیت نامه) چ چهارم. با اضافات مهم.

ارمغان تربیت (ارمغان ۳) چاپ اول. در ۳۰۰۰ نسخه

درفش آفتاب؛ مجموعه شعر «۱»، چاپ اول.

دفترچه ازدواج (نکاح نامه رسمی) جالب. چ هفتم.

مژده های فرهنگی و تاریخی

ان شاءالله به زودی بخشی از شعرهایم را چاپ خواهم کرد.

و نیز کتابی درباره انقلاب اسلامی چهار کنت و کتابی درباره شهدای روحانیت و دانشمندان تحت عنوان (علمای شهید شیعه افغانستان) را زیر دست دارم اگر گزارش هایی داشته باشید ارائه فرمایید تا ان شاءالله چاپ شود.

ص: ۱۲۶

آثار چاپ نشده مؤلف

همگام با فرشتگان (با زائران عراق). آماده چاپ.

ارمغان خانواده (ارمغان ۲). در راه است.

آبشارهای رحمت.

عقاید.

برگی از انقلاب اسلامی.

شکوفه های یاس (اشعار مدرسی حجازی). آماده چاپ.

صلوات (ارمغان محبوب).

درس هایی پیرامون و عبادت.

پاسخ به پرسش های دینی.

حدیث منزلت.

عالمان شهید شیعه افغانستان

مقالات.

تحقیق درباره امامت.

۲۰. مصاحبه ها و کارشناسی معارف در رادیوها.

گلوآژه های معارف (۲).

از کوی دوست (خاطراتی از سفر حج).

ص: ۱۲۷

مؤسسه قرآنی - پژوهشی پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله وسلم)

در موارد زیر اعلام آمادگی می شود:

پاسخ به سؤالات شرعی، مشاوره حضوری در زمینه های مختلف؛

امور حج، عمره، عتبات و...؛

سخنرانی و برنامه های فکری، فرهنگی، تبلیغی و آموزشی؛

مراسم عقد و دفترچه ازدواج (صدور عقدنامه شرعی و قانونی)؛

کتاب ها و سی دی های فرهنگی؛

کلاس های تجوید قرآن، احکام، عقاید، اخلاق و...؛

ارائه کتاب های مؤلف با تخفیف ویژه؛

توزیع کتاب های رایگان برای کتابخانه ها، مدارس، مساجد و...؛

تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۲۶۳۲۴ (مدرسی حجازی) ۰۹۳۰۷۶۹۰۹۰۵

برای دریافت کتاب و نکاحنامه (دفترچه ازدواج) ۰۹۰۱۵۵۳۱۶۵۷

یاد آوری های مهم:

در کتاب گلوآزه های معارف، مهم ترین مطالب ضروری را نوشته ام (اصول دین، فروع دین، مسائل شرعی، مسائل عقد، آداب نوزادان، آداب اموات، تلقین، نماز میت، دعا و...)

شایسته است که این کتاب را داشته باشید و به دوستان تحفه بدهید.

کتاب ارمغان ازدواج (ارمغان ۱) گنجینه اسراری است برای نسل جوان (اعم از پسران و دختران)

ارمغان تربیت (ارمغان ۳) نمونه دانشکده کودک و نوجوان است. این کتاب تازه چاپ شده است و برای هر خانواده لازم و مفید است. فهرست ها رایک بار مطالعه فرمایید.

ص: ۱۲۸

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادهای انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

